



فرمان پار

علی اکبر مہدی پور

به فرمان يار

يادواره صاحب مكيال

به مناسبت يكصدمين سال تأليف كتاب «مكيال المكارم»

به فرمان حضرت بقيه الله - ارواحنا فداء -

على اكبر مهدى پور

به فرمان یار

تألیف: علی اکبر مهدی پور

ناشر: عطر عترة

چاپ اول: ۱۳۸۹

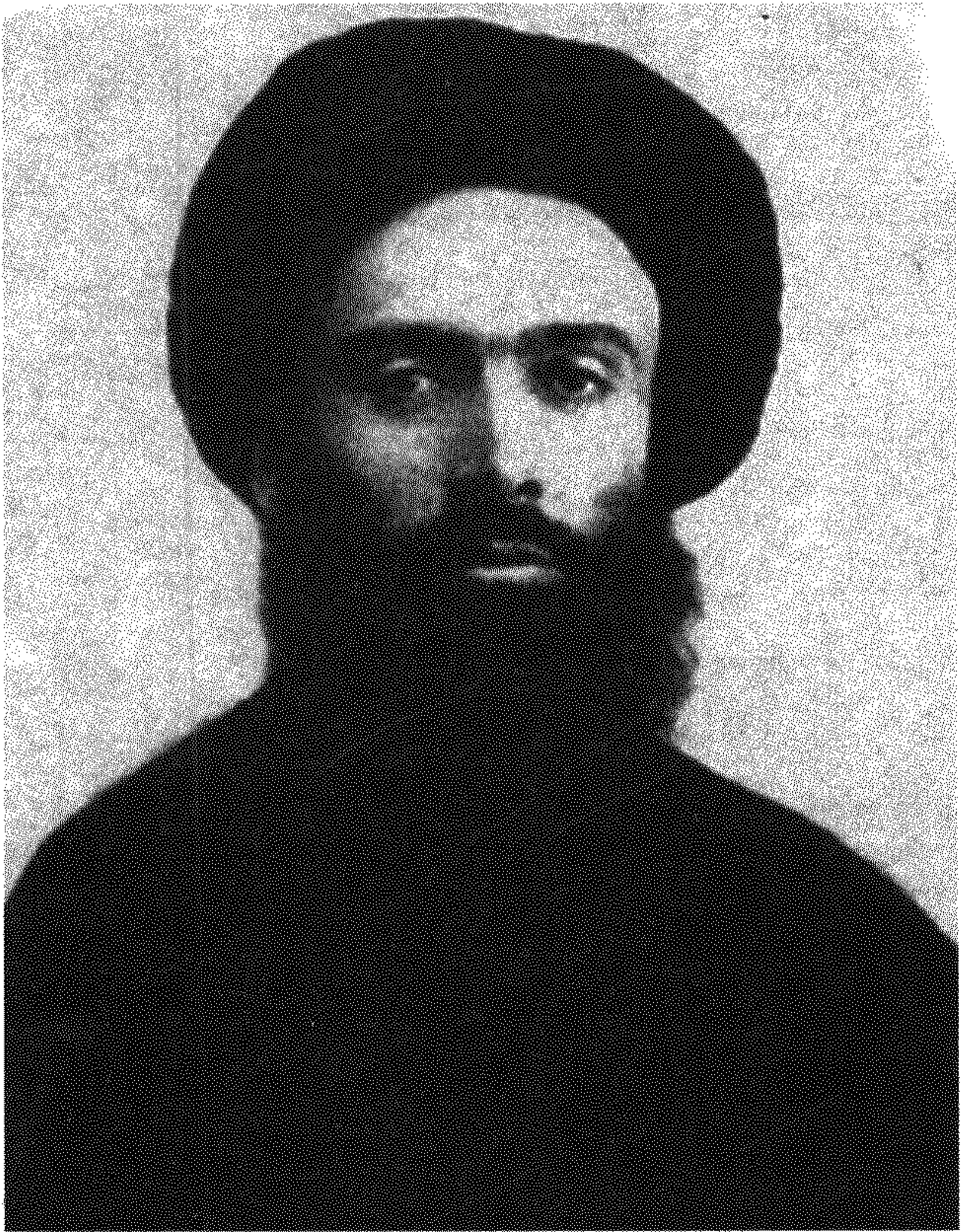
چاپخانه: معراج

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۸-۷۹-۵۵۸۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُرِيهِمْ آيَاتِهِ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ



فہرست مطالب

رسالت قلم / ۱۳

- ۱۴..... از فرمان «بخوان» تا دستور «بنویس»
- ۱۶..... عنایت ویژه بر کتب ویژه
- ۱۸..... فرمان ویژه بہ افراد ویژه
- ۱۹..... آثار ماندگار بہ فرمان یار
- ۲۰..... از صاحب «کمال» تا صاحب «مکیال»
- ۲۱..... شیخ صدوق و فرمان امام
- ۲۴..... صاحب مکیال و فرمان امام
- ۲۸..... از فقیہ ری تا فقیہ جی
- ۲۸..... جایگاہ رفیع فقیہ ری
- ۳۱..... جایگاہ رفیع فقیہ جی
- ۳۲..... نقاط مشترک فقیہ ری و فقیہ جی
- ۳۴..... سخن یار در حدیث دیگران

۳۴ (۱) الأملی
۳۵ (۲) مقالات مبسوطه
۳۵ (۳) مکارم الآثار
۳۶ ۴. صاحب الذریعه
۳۷ ۵. مصلح الدین مهدوی
۳۷ ۶. زیر کلی
۳۸ ۷. کخاله
۳۸ ۸. مشار
۳۹ ۹. جابری انصاری
۳۹ ۱۰. علامه روضاتی
۴۱ صاحب مکیال از دیدگاه مرجعیت شیعه
۴۱ ۱. آیه الله بروجردی
۴۱ ۲. آیه الله دهکردی
۴۲ ۳. آیه الله صافی
۴۳ اجازه اجتهاد صاحب مکیال
۴۹ عنایت ویژه به کتب ویژه
۵۰ ۱. شرایع
۵۱ ۲. شرح شرایع
۵۱ ۳. ریاض العلماء
۵۱ ۴. تنبیه الامة
۵۴ ۵. کلمة الامام المهدي
۵۸ راز و رمز این همه سوز و گداز

۵۹	حلقه اتصال.....
۶۰	۱. میرزا مهدی اصفهانی.....
۶۰	۲. صدر الاسلام همدانی.....
۶۲	۳. فقیه احمد آبادی.....
۶۲	آثار پر بار فقیه ماندگار.....
۶۳	۱. آداب صلاة اللیل.....
۶۳	۲. ابواب الجنات فی آداب الجمعات.....
۶۵	۳. انیس المتفرّدین.....
۶۵	۴. ایضاح الشبهات.....
۶۶	۵. بساتین الجنان.....
۶۶	۶. تحفة المتأدّبین.....
۶۶	۷. تذکرة الطالبین.....
۶۷	۸. ترغیب الطلاب.....
۶۷	۹. تعادل و تراجیح.....
۶۷	۱۰. تفسیر قرآن.....
۶۷	۱۱. توضیح الشواهد.....
۶۸	۱۲. الحاشیة علی شرح الکافیة.....
۶۸	۱۳. دیوان شعر.....
۶۹	۱۴. سراج القبور.....
۷۰	۱۵. شرح تصریف.....
۷۰	۱۶. شرح نصاب.....
۷۰	۱۷. ضیاء المنیر.....

۷۱	۱۸. کنز الغنائم
۷۱	۱۹. محاسن الأديب
۷۲	۲۰. مکیال المکارم
۷۳	۲۱. المنابر
۷۳	۲۲. نور الأبصار
۷۴	۲۳. وظیفه الانام
۷۵	ترجمة فارسی
۷۶	گزینش‌ها

از ولادت تا شهادت / ۷۹

۷۹	طلیعه نور
۸۰	والد ماجد
۸۱	والده ماجده
۸۱	نیاکان
۸۳	همسر شایسته
۸۴	فرزندان
۸۷	نوادگان
۸۹	اساتید
۹۴	شاگردان
۹۶	صاحبان اجازة
۹۶	همراه، همراز و همگام
۹۷	۱. همدلی

۹۷	۲. همگامی
۹۸	۳. سروش غیبی
۹۹	تالیفات فقیه ایمانی در حوزه مهدویت
۱۰۱	پیشتاز پیشگام
۱۰۲	میرزای شیرازی در یک نگاه
۱۰۴	در سنگر محراب
۱۰۵	بر کرسی تدریس
۱۰۵	در حریم حرم
۱۰۶	از صاحب مکیال بیاموزیم
۱۰۶	۱. بی‌اعتنایی به دنیا
۱۰۷	۲. سلوک اخلاقی با عائله
۱۰۸	۳. پرهیز از سهم امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	۴. توجه به تربیت فرزندان
۱۱۰	۵. ارادت ویژه به حضرت
۱۱۱	۶. دعا برای فرج
۱۱۲	۷. عنایات ویژه
۱۱۲	۸. آثار این عنایت
۱۱۳	۹. تنبّهات
۱۱۴	۱۰. عریضه نویسی
۱۱۴	استغاثه به محضر مولا
۱۱۶	آماری شگفت
۱۱۹	راه میان‌بُر

۱۲۱	در آستانه شهادت
۱۲۱	در بستر شهادت
۱۲۳	روی تخت بیمارستان
۱۲۴	شربت شهادت
۱۲۵	از تبار شهیدان
۱۲۷	اشعار نغزو پر مغز

سوانح حیات / ۱۲۹

۱۲۹	دهه اول
۱۲۹	دهه دوم
۱۳۰	دهه سوم
۱۳۰	دهه چهارم
۱۳۱	دهه پنجم
۱۳۳	منابع و مآخذ شرح حال صاحب مکیال
۱۳۵	دهه فرخنده مهدویه مبارک باد
۱۳۹	آثار چاپ شده مؤلف

رسالت قلم

نخستین آیات نورانی قرآن در هنگامه «بعثت» با نزول آیات زیر بر قلب شریف خاتم پیامبران آغاز گردید:

﴿ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ *
اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴾ ؛

بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

انسان را از خون بسته بیافرید.

بخوان که پروردگارت بسیار بزرگوار است.

همان که به وسیله قلم تعلیم داد.

آنچه را که انسان نمی دانست به او یاد داد. (۱)

در این آیات که نخستین آیاتی است که در روز مبعث بر قلب شریف پیامبر نازل گردید (۲) از «خواندن»، «یاد دادن» و «قلم» که وسیله

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸.

۱. سوره علق، آیات ۱-۵.

«نوشتن» است، گفتگو شده است.

آغاز آیات نورانی قرآن با واژه ﴿إِقْرَأْ﴾ و تداوم یافتن آن با جمله ﴿عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ و تکرار دو گلوواژه: ﴿إِقْرَأْ﴾ و ﴿عَلَّمَ﴾ در یک فراز کوتاه بیانگر آن است که زمان، زمان خواندن و دوران، دوران نوشتن و عصر، عصر آموزش و بار سنگین رسالت، بر عهده اهل قلم است.

قرآن کریم علاوه بر این که در این آیات کریمه، آموزش را تنها در پرتو قلم و به وسیله قلم معرفی کرده، سوره دیگری به نام «قلم» نامگذاری کرده، به این وسیله قلم را گرامی داشته است.

جالب تر این که برای اعلام ارزش والای آن، به آن سوگند یاد کرده است. شگفت تر اینکه علاوه بر «قلم» بر تراوشات آن نیز قسم خورده می فرماید:

﴿نَ، وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ﴾ ؛

سوگند به قلم و آنچه به وسیله آن می نگارند. (۱)

ظریف تر اینکه براساس روایات، حرف «ن» از حروف مقطعه، که در سرآغاز این سوره قرار گرفته، اشاره به «جوهر» و «مرکب» است. (۲)

از فرمان «بخوان» تا دستور «بنویس»

در مورد اهمیت کتابت و نگارش همین بس که مشتقات واژه «کتابت»

۱. سوره قلم، آیه ۱.

۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۲.

در قرآن بیش از ۳۲۰ بار تکرار شده و آن بیش از دو برابر مشتقات واژه‌های «قرائت» و «تلاوت» در قرآن کریم است.

با نگاهی گذرا به احادیث پیشوایان معصوم علیهم‌السلام عنایت ویژه آن بزرگواران به نگارش و کتابت معلوم می‌شود:

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

قَيِّدُوا الْعِلْمَ؛

علم را ثبت کنید، دانش را به زنجیر بکشید.

پرسیدند: آن را چگونه به زنجیر بکشیم تا فرار نکند؟

فرمود: منظور کتابت آن است. (۱)

۲. به هنگام شمارش حقوق فرزندان فرمود:

وَأَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ؛

به او نوشتن بیاموزد. (۲)

۳. پیامبر عظیم‌الشان به کاتب خود در مورد حسن خط، کیفیت

استفاده از دوات، نگارش حروف سین، میم، با؛ چرخش قلم و محافظت از قلم دستورات لطیفی صادر فرمودند. (۳)

۴. امیر بیان، پیشوای مؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام در احادیث فراوان

از کیفیت تراش قلم، گزینش نوع قلم، کیفیت نگارش یکایک حروف،

۱. حاکم، مستدرک صحیحین، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

ترکیب حروف، فاصله سطور، انتخاب نوع مرکب و دیگر نکات مربوطه سخن گفته است. (۱)

۵. امام حسن مجتبی علیه السلام روزی فرزندان و برادرزادگان خود را مخاطب قرار داده فرمود:

امروز شما نونهالان این مردم هستید، به زودی بزرگان مردمان دیگری خواهید شد، پس دانش بیندوزید و هر کس نتواند آن را حفظ کند، پس آن را بنویسد و در خانه‌اش محفوظ نگهدارد. (۲)

۶. امام صادق علیه السلام در همین رابطه فرمود:

بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر کن و چون اجلت فرا برسد، کتابهای خود را برای فرزندان ارث بگذار، که روزگار فتنه و آشوب برای مردم پیش آید که جز با کتابهای خود با چیز دیگری انس نمی‌گیرند. (۳)

عنایت ویژه بر کتب ویژه

در میان هزاران کتاب پایه و مرجع که توسط اصحاب ائمه علیهم السلام تألیف شده و هر یک از آنها به «اصل» شهرت یافته، برخی از آنها مورد عنایت خاص ائمه: قرار گرفته، مانند کتاب «سلیم بن قیس» که ابان بن ابی عیاش

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۲۳.

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۳۴۰.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۲.

همه‌اش را در محضر امام سجاد علیه السلام قرائت کرده و حضرت فرموده:

همه اینها احادیث ما و صحیح می‌باشد. (۱)

پس از شهادت امام سجاد علیه السلام ابان به حج مشرف شده و آن را بر امام

باقر علیه السلام عرضه نموده، حضرت فرموده:

سلیم راست گفته، پس از شهادت امام حسین علیه السلام سلیم به نزد

پدرم آمد و این حدیث را برای پدرم حدیث کرد و من نشسته

بودم و پدرم او را تصدیق نمود. (۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

از شیعیان ما هر کس که کتاب سلیم بن قیس هلالی در

نزدش نباشد، چیزی از ما در نزد او نیست و چیزی از

اسباب ما را نمی‌داند، که آن ابجد شیعه و رازی از رازهای

آل محمد علیهم السلام می‌باشد. (۳)

حتماً بنویسید، که اگر نتوانید آنها را حفظ شوید. (۴)

۷. رئیس مذهب در حدیث دیگری خطاب به مفضل فرمود:

ای مفضل! خداوند این کتابت را که به انسان ارزانی داشته

است، چه نعمت بزرگی است.

اخبار پیشینیان به وسیله آن به دست اهل این زمان رسیده

۱. حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱۳؛ المجموعة الحدیثیة، ص ۱۷۵.

۲. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۰۵، ح ۱۶۷.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳۲، ص ۴۲۶.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

است، اخبار این زمان نیز به وسیله آن به آیندگان منتقل خواهد شد. (۱)

۸. در حدیث دیگری فرمود:

نوشتجات خود را نگهداری کنید که به زودی به آنها نیاز پیدا خواهید کرد. (۲)

۹. برای توجه دادن به ارزش والای حدیث فرمود:

باید این حدیث با آب طلا نوشته شود. (۳)

۱۰. رسول اکرم ﷺ برای بیان آثار اخروی آن فرمود:

هر کس بمیرد و ورقه‌ای از خود به یادگار بگذارد که بر روی آن دانشی ثبت شده باشد، روز قیامت این ورقه میان او و آتش جهنم حائل می‌شود. (۴)

فرمان ویژه به افراد ویژه

در میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیکبختانی بوده‌اند که به آنها دستور ویژه صادر شده و امر به تألیف و تصنیف و نشر دانش خود شده‌اند، یکی از این افراد سعادت‌مند مفضل است که رئیس مذهب در یک فرمان ویژه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۵۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۴. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۰.

خطاب به ایشان فرمود:

أَكْتُبُ وَبِتَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ وَ...؛

دیگر نمونه‌اش کتاب «یوم و لیله» فضل بن شاذان است که آن را بورق بوشنجانی به امام حسن عسکری علیه السلام ارایه داد و تقاضا نمود که آن را ملاحظه فرماید. امام علیه السلام آن را گرفت و صفحه به صفحه ملاحظه کرد و فرمود:

هَذَا صَحِيحٌ يَتَّبِعِي أَنْ يُعْمَلَ بِهِ؛

این صحیح است و شایسته است که به آن عمل شود. (۱)

آثار ماندگار به فرمان یار

در این میان تعدادی از کتب به فرمان مستقیم وجود مقدس حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - تألیف شده که از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. بسیار جالب توجه است که در برخی از این موارد موضوع کتاب نیز از سوی حضرت تعیین شده، در موردی امر شده که آن را به زبان عربی بنویسد و نام کتاب نیز در این مورد از سوی آن حضرت تعیین شده است.

اگرچه شماری از آثار مورد عنایت قرار گرفته، ولی آنچه مستقیماً به فرمان حضرت بوده و موضوعش نیز از سوی آن حضرت تعیین گردیده،

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۸.

دو مورد بیشتر نمی باشد:

(۱) کمال الدین و تمام النعمة

(۲) مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)

و اینک شرح مختصری در مورد این دو اثر ارزشمند و بیان کیفیت صدور فرمان:

از صاحب «کمال» تا صاحب «مکیال»

کتاب شریف «کمال الدین» قریب یکهزار سال پیش به فرمان حضرت توسط محدث گرانمایه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مشهور به: «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ ق. تألیف شده و کتاب شریف «مکیال المکارم» دقیقاً یکصد سال پیش توسط فقیه گرانمایه، آیه الله سید محمدتقی موسوی احمدآبادی، متوفای ۱۳۳۸ ق. به فرمان حضرت به رشته تحریر درآمد.

شیخ صدوق ده قرن پیش کتابی پیرامون غیبت حضرت نوشته که در طول ده قرن، هرگز کتابی به این عظمت نوشته نشده و هنوز هم جامع ترین، جالب ترین و جاذب ترین اثر در این رابطه می باشد و در میان آثار فراوانی که در عرصه مهدویت تألیف شده، چون ستاره فروزانی می درخشد.

یک قرن پیش نیز فقیه احمدآبادی کتابی پیرامون فواید دعا برای تعجیل در امر فرج حضرت نوشته، که نه تنها در طول یک قرن، بلکه در طول چهارده قرن در میان پیشینیان و پسینیان همسنگی برایش سراغ نداریم.

و اینک کیفیت صدور فرمان از سوی یار به این دو فقیه ماندگار

شیخ صدوق و فرمان امام

شیخ صدوق رضی الله عنه در مقدمه کتاب گرانسنگ «کمال الدین» می نویسد:
آنچه مرا به تألیف این کتاب واداشت این بود که چون از زیات
حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه به نیشابور بازگشتم و
در آنجا اقامت نمودم، دیدم که بیشتر شیعیانی که به نزد من می آیند در
مسأله غیبت دچار حیرت شده اند و در مورد حضرت قائم علیه السلام با شبهه
مواجه گشته اند و به جای تسلیم به رأی و قیاس گرویده اند.

تلاش فراوان کردم که با احادیث واصله از پیامبر اکرم و ائمه هدی
صلوات الله علیهم آنها را ارشاد نموده به راه راست هدایت نمایم تا
شخص با فضیلت و دانش و فرهیخته ای از بخارا در قم به نزد من آمد
که به جهت استواری رأی، استحکام دین و استقامت عقیده اش از
روزگار درازی اشتیاق دیدار او را داشتم، و او شیخ نجم الدین ابوسعید
محمد بن حسن بن محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی - دامت توفیقاته -
بود. پدرم از پدر بزرگش محمد بن احمد بن علی بن صلت رضی الله عنه روایت
می کرد و از دانش، تقوا، زهد، عبادت و دیگر فضائلش ستایش می کرد.

احمد بن محمد بن عیسی نیز با جلالت قدر و فضیلتش از ابوطالب
عبدالله بن صلت قمی روایت می کرد.

عبدالله بن صلت به قدری عمر کرد که محمد بن حسن صفار نیز او
را ملاقات کرد و از او روایت نمود.

هنگامی که خداوند منان به من توفیق دیدار این شیخ را از آن بیت رفیع نصیب کرد، خدای را سپاس گفتم که چنین نعمتی عنایت کرده، دیدار، دوستی، صفا و صمیمیت آن عزیز نصیبم گردیده است.

روزی در ضمن سخنانش داستان دیدارش را با یکی از بزرگان فلاسفه بخارا برایم نقل کرد که مطلبی گفته، او را در مورد حضرت قائم علیه السلام به شک و تردید انداخته، که چگونه غیبتش به درازا کشیده و اخبارش منقطع گشته است.

مطالبی در اثبات وجود آن حضرت و احادیثی از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام در مورد غیبت حضرتش نقل کردم، دلش آرام شد و شک و شبهه از دلش زدوده شد و آنچه احادیث صحیحه برایش نقل گردید از اعماق دل پذیرفت و در مقابلش تسلیم شد.

از من طلب نمود که در این زمینه کتابی تألیف کنم، پس خواهش او را پذیرفتم و به او قول دادم که چون به وطن خود - شهر ری - بازگشتم و در آنجا مستقر شدم، آنچه برای نگارش این کتاب لازم است گردآوری کنم.

شبى در مورد خانواده، فرزندان، برادران و نعمتهایی که پشت سر نهاده بودم می‌اندیشیدم، خواب بر چشمم غلبه کرد، در عالم رؤیا دیدم که گویی در مکه معظمه هستم، به دور خانه خدا طواف می‌کنم، چون در شوط هفتم به نزد حجر الاسود رسیدم، آن را استلام کرده، بوسیدم و گفتم:

أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَغَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ؛

امانت خود را ادا کردم، پیمان خود را به انجام رساندم، تا گواه باشی که به عهد خود وفا نمودم.

ناگهان مولای خود حضرت قائم، صاحب عصر و زمان صلوات الله علیه را دیدم که در کنار درِ کعبه ایستاده، آرام آرام نزدیک شدم، در حالی که قلبم مشغول و افکارم متشتت بود.

سلام کردم، جواب سلام فرمود و با فراست خود آنچه در دلم بود دریافت و به من فرمود:

لِمَ لَا تُؤَلِّفُ كِتَاباً فِي الْغَيْبَةِ حَتَّى تَكُنِّي مَا قَدْ هَمَّكَ؛

چرا کتابی در مورد غیبت نمی نویسی تا هم و غمت را بزداید؟

گفتم: ای فرزند رسول خدا چیزهایی در مورد غیبت نوشته ام.

فرمود:

لَيْسَ عَلَيَّ ذَلِكَ السَّبِيلِ أَمْرُكَ أَنْ تُصَنِّفَ؛

این گونه به تو فرمان نمی دهم که کتاب بنویسی.

وَلَكِنْ صَنَّفِ الْآنَ كِتَاباً فِي الْغَيْبَةِ وَادْكُرْ فِيهِ غَيْبَاتِ

الْأَنْبِيَاءِ ﷺ؛

ولی اکنون کتابی در مورد غیبت بنویس و در آن غیبتهای

پیامبران را بنویس.

پس آن حضرت تشریف بردند و من بیدار شدم، تا هنگام سحر به

دعا و تضرع و گریه و راز دل گفتن پرداختم.

چون صبح شد به تألیف این کتاب برای اطاعت از فرمان ولی خدا

و حجت پروردگار آغاز کردم، در حالی که از خدا استعانت نموده،

بر او توکل کرده، از کوتاهی ها استغفار نمودم، که او ولی توفیق است،

بر او توکل نموده، به سویش بازگشتم.^(۱)

صاحب مکیال و فرمان امام

آیه‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی، مشهور به: «صاحب مکیال» و ملقب به: «فقیه احمدآبادی» متولد ۱۳۰۱ ق. و متوفای ۱۳۴۸ ق. در مقدمه کتاب شریف «مکیال المکارم» انگیزه تألیف کتاب را چنین بیان می‌کند:

در باب هشتم کتاب «ابواب الجنات فی آداب الجمعات» هشتاد و چند فائده از فواید دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت -صلوات الله علیه- را ذکر کردم، سپس به فکر افتادم کتاب جداگانه‌ای در این رابطه تألیف نمایم که بر این فواید مشتمل باشد و این گوهرهای شاهوار به سبک جالبی در آن تحریر شود، ولی حوادث زمان و فتنه‌های پیایی دوران از انجام آن مانع می‌شد، تا شبی در عالم رؤیا شخص بزرگواری بر من تجلی نمود که قلم و بیان از وصف او ناتوان است.

یعنی: مولا، مقتدا، امام و محبوب دل غمینم، حضرت امام منتظر -عجل الله تعالی فرجه- با بیانی دلنوازتر از وصال یار و آهنگی دلرباتر از نوای هزار، فرمود:

این کتاب را بنویس،

عربی هم بنویس،

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲-۴، مقدمه.

و نام آن را بگذار:

« مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم » .

با همان تشنگی دیدار از خواب برخاستم و آهی جانگداز از اعماق دل بر آوردم و تصمیم جدی بر اطاعت امر مطاعش نمودم، که فرمان او فرمان خداست و فرمان خدا برتر است .

ولی مدتی توفیق رفیق نشد، تا در سال گذشته، که سال ۱۳۳۰ ق. بود، به زیارت خانه خدا رفتم و چون آنجا و با درگرفت و شالوده زندگی فروریخت، با خداوند منان عهد کردم که اگر مرا از خطرها برهاند و بازگشت به وطن را برایم آسان نماید، به تألیف کتاب پردازم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به مام وطن بازگردانید، همچنان که همواره الطاف و عنایاتش شامل حالم بود، پس به تألیف کتاب پرداختم، که خداوند منان می فرماید:

﴿ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ ﴾ ؛

چون با خداوند پیمان بستید، به پیمان خدا وفا کنید. (۱)

و می فرماید:

﴿ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾ ؛

به عهد و پیمان وفا کنید که در مورد پیمان سؤال خواهد شد. (۲)

۱. سوره نمل، آیه ۹۱.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۴.

پس اینک این کتاب را برگیر که همانند بهشت برین هشت باب دارد:

﴿ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۖ ﴾

در بهشتی بلند جایگاه که ثمراتش نزدیک و در دسترس. (۱)

﴿ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيُنٍ ۖ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۖ ﴾

در آن هرگز سخن بیهوده نمی شنوی، چشمه سار - فضیلت -
در آن جاری است. (۲)

﴿ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً ۖ وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ۖ ﴾

تا برای ایشان مایه تذکر باشد و گوشهای شنوا آن را فراگیرند. (۳)

﴿ لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا ۖ وَلَا يُنْزِفُونَ ۖ ﴾

شراب خوشگوازی که نه مایه در دسر شود و نه عقل را بزداید. (۴)

با یک خاتمه پربارش ختم کنیم که:

﴿ خِتَامُهُ مِسْكٌ ۖ وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتَنَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۖ ﴾

ختم و مهرش مشک است و باید فرهیختگان برای چنین
نعمتهایی بر یکدیگر پیشی بگیرند. (۵)

﴿ لِيُمَثِّلَ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۖ ﴾

برای امثال این باید تلاشگران تلاش کنند. (۶)

۱. سوره حاقه، آیه ۲۲ و ۲۳.

۲. سوره غاشیه، آیه ۱۱ و ۱۲.

۳. سوره حاقه، آیه ۱۲. ۴. سوره واقعه، آیه ۱۹.

۵. سوره مطففین، آیه ۲۶. ۶. سوره صافات، آیه ۶۱.

صاحب مکیال پس از دریافت فرمان و حصول توفیق برای آغاز کردن کتاب، از این فرمان و این توفیق سرمست شده، پیام یار را با گوش جان می شنود، آهنگ دلنوازش را آوازه گوش نموده، سیمای روح افزایش راهمواره در برابر خود احساس می کند، برای خدا قلم در دست می گیرد، برای خدا در قلمدان می نهد، برای خدا روی صفحات کاغذ به حرکت در می آورد، برای خدا تصحیح و مقابله می کند و اثری جاوید برجای می نهد که تا روز ظهور مولایش در دست منتظران ظهور و شیفتگان وادی طور دست به دست می گردد و مایه اشک نیمه های شب و ره توشه راهیان کویش می شود.

فقیه احمدآبادی ۱۷ سال تمام با این کتاب زیست، شب و روز برای گردآوری احادیث لازم با آن امکانات بسیار محدود تلاش نمود، همانگونه که از نخست تنظیم کرده بود در هشت باب سامان داد، ولی اجل مهلت ندارد که خاتمه ای که منظور نظرش بود، در جای جای کتاب به آن ارجاع داده بود و در سطور بالا ﴿ خِتَامُهُ مِسْكَ ﴾ را برایش تفأل زده بود، در پایان کتاب بیاورد، ولی خاتمه ای شیرین تر و لطیف تر از آن را مولایش به او عطا کرد و خاتمه عمرش را به شهادت ختم نمود، که بالاترین آرزوی هر شیفته مولاست.

برای عاشقان کوی و راهیان راه مولا حیف است که در بستر بمیرند و از آنچه خدا برای شهیدان راه حق منظور کرده، محروم بمانند.

آری پیش از آنکه به ﴿ خِتَامُهُ مِسْكَ ﴾ کتاب برسد، به ﴿ خِتَامُهُ مِسْكَ ﴾ نامه اعمالش رسید و در ماه رمضان، ماه میهمانی خدا به میهمانی خدا رفت.

هَنِيئًا لَهُ، كَمَا غَاشَّ سَعِيدًا وَمَاتَ شَهِيدًا.

از فقیه ری تا فقیه جی

در میان همه فقها، علما، محدثان، مفسران و مورخان تنها دو تن این سعادت را پیدا کردند که امام زمانشان به آنها فرمان تألیف کتاب با ویژگیها و خصوصیات آن عنایت کند، این دو سعادت‌مند تاریخ شیعه عبارتند از:

(۱) ابو جعفر، محمد بن علی بن حسن بن موسی بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق، «فقیه ری».

(۲) سید محمد تقی بن عبدالرزاق، بن عبدالجواد، بن سید محمد مهدی موسوی، مشهور به صاحب مکیال «فقیه جی».

و اینک اشاره‌ای کوتاه به جایگاه رفیع هر دو فقیه:

جایگاه رفیع فقیه ری

یکی از امتیازات بزرگ شیخ صدوق علیه السلام این است که او با دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء متولد شده است.

پیش‌تاز علمای رجال، مرحوم نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق.) در کتاب رجال معروفش در شرح حال پدر شیخ صدوق می‌نویسد: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، شیخ قمی‌ها در عصر خود، فقیه، ثقه و مقدم آنان، به عراق آمد، با ابوالقاسم حسین بن روح (نایب خاص امام عصر) دیدار نمود، مسائلی از او پرسید، سپس توسط علی بن جعفر بن اسود با وی مکاتبه نمود و از او خواست که نامه‌ای به محضر

حضرت صاحب علیه السلام برساند و از آن حضرت فرزندی بخواهد، پس به او - در پاسخ - نوشت:

قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ، وَسَتُرْزَقُ وَلَدَيْنِ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ؛

ما در این رابطه در حق تو خدا را خواندیم، به زودی دو فرزند
ذکور خیر نصیب تو خواهد شد. (۱)

پس ابو جعفر «شیخ صدوق» و برادرش «ابو عبدالله» متولد شدند.
سپس نجاشی از ابو عبدالله حسین بن عبیدالله نقل می‌کند که
می‌گفت: من از ابو جعفر (یعنی شیخ صدوق) شنیدم که می‌گفت:

أَنَا وَوَلَدَاتُ بِدَعْوَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ علیه السلام؛

من با دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام متولد شدم.

و به آن مباحثات می‌کرد. (۲)

شیخ صدوق در همین رابطه می‌نویسد:

هنگامی که ابو جعفر محمد بن علی اسود می‌دید که من به جلسات
علمی شیخ ما محمد بن احمد بن ولید رفت و آمد می‌کنم و به حفظ کتب
علمی رغبت دارم می‌گفت:

جای شگفت نیست که تو اینگونه به علم و فضیلت راغب

باشی، زیرا تو به دعای امام علیه السلام متولد شده‌ای. (۳)

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۶۱، رقم ۶۸۴.

۲. همان.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۳.

آیه‌الله سید محمد مهدی بحر العلوم در شرح حال شیخ صدوق می‌نویسد:
 رئیس محدثان، رکنی از ارکان شریعت، صدوق در آنچه از امامان
 راستین علیهم‌السلام نقل می‌کند، که با عای صاحب عصر و زمان متولد شده و به
 این وسیله فضل بزرگ و افتخار بزرگ نایل شده و امام علیه‌السلام در توفیق
 شریفی که از ناحیه مقدسه صادر شده، در حق او نوشته است:

فَقِيهٌ، خَيْرٌ، مُبَارَكٌ، يَنْفَعُ اللهُ بِهِ؛

او فقیه، خیر و مبارک است، خداوند به وسیله او سود می‌رساند. (۱)

سپس می‌نویسد: و لذا برکاتش به همگان رسید و خاص و عام از او
 بهره بردند و آثار و تألیفاتش در طول زمان باقی ماند، فقیهان از فقه و
 حدیثش بهره بردند و دیگران از من لایحضره الفقیه‌اش. (۲)

شیخ صدوق از ابو جعفر محمد بن علی اسود نقل می‌کند که علی بن
 حسین بن موسی بن بابویه علیه‌السلام، پس از درگذشت محمد بن عثمان
 عمری علیه‌السلام، از من خواست که از ابوالقاسم روحی (یعنی: حسین بن
 روح نوبختی، سومین نایب خاص حضرت) بخواهم که از مولای ما
 حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام بخواهد که خدای را بخواند که برای او
 فرزند ذکور قسمت کند.

من از او خواستم، او نیز به محضر حضرت ابلاغ نمود، سه روز بعد
 به من خبر داد که حضرت برای علی بن الحسین (پدر شیخ صدوق)

۱. بحر العلوم، فوائد رجالیه، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۲۹۳.

دعا کرده، به زودی فرزند مبارکی برای او متولد می شود، که خداوند به وسیله او نفع می رساند، و پس از او نیز اولادی متولد می شوند. (۱)

به برکت دعای امام علیه السلام شیخ صدوق با برکت ترین محدث جهان تشیع شده، بیش از ۳۰۰ اثر ارزشمند از خود به یادگار نهاده، از بیش از ۲۵۰ نفر از راویان حدیث روایت کرده، همه آثارش از آثار پایه و مرجع در طول بیش از یک هزار سال شده است.

شیخ صدوق به سال ۳۸۱ ق. وفات کرد، بدن مبارکش در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد، پس از ۸۵۷ سال، یعنی به سال ۱۲۳۸ ق. در اثر بارش باران و شدت سیل و طوفان بدن مقدسش تر و تازه ظاهر شد، تا جایی که آثار حنا در کف پاها و ناخنهایش ظاهر بود، خبر در تهران منعکس شد، فتحعلی شاه در محل حضور یافت، آیه الله حاج ملاعلی کنی، سید ابراهیم لواسانی، شیخ عباس نهاوندی، حاج ملاهادی تهرانی و آغا علی مدرس زنوزی از هزاران نفری بودند که داخل مقبره شده، پیکر شیخ صدوق را از نزدیک مشاهده کرده بودند. (۲)

جایگاه رفیع فقیه جَنی

شهر کهن سال اصفهان از روزگاران قدیم «جَنی» نامیده می شد، حتی تا قرون اولیه اسلامی «اصفهان» و «جی» را با هم به کار می بردند و از آن دو یک شهر و یک ناحیت را اداره می کردند و از برخی اشعار استفاده

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۳۲۰.

۲. اسناد و منابع آن را در کتاب «اجساد جاویدان» ص ۱۳۷-۱۴۱، ملاحظه فرمایید.

می شود که اصفهان همان شهر اصفهان و «جئی» یکی از نواحی آن بود.^(۱) ما با توجه به مشترکات نزدیک بین فرمان صادره پیرامون شیخ صدوق و فرمان صادره پیرامون صاحب مکیال، دو واژه «ری» و «جئی» را به صورت متقابل آورده و عنوان فقیه ری را به شیخ صدوق و فقیه جی را به فقیه احمدآبادی آوردیم.

احمدآباد یکی از محلات اصفهان است که در گذشته بیشتر به عنوان: «یزدآباد» مشهور بود و در برخی از منابع شرح حال صاحب مکیال، از جمله در عنوان اجازه اجتهاد ایشان تعبیر: «یزدآبادی» آمده است.^(۲)

جالب است بدانیم که واژه «یژد» از «یژت» به معنای فرشته است و با واژگانی چون: «ایزد» و «یزدان» از یک خانواده هستند و به فرشتگان مقرب درگاه حضرت احدیت گفته می شود.

به دلیل قداست این واژگان مشتقات آنها در دهات و آبادیهای کشور به وفور یافت می شود، به عنوان یک نمونه، واژه «یزدآباد» نام سه ناحیه در اصفهان، کاشان و سبزوار می باشد.^(۳)

نقاط مشترک فقیه ری و فقیه جی

در میان صدها فقیه، محدث، ادیب و مفسر، فرمان تألیف کتابی

۱. محمد مهریار، فرهنگ جامع نامها و آبادیهای کهن اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۸ (مقدمه).

۳. مهریار، همان، ج ۲، ص ۹۱۷.

پیرامون حضرت با خصوصیاتى که تقدیم می‌کنیم، منحصرأً به دو تن صادر شده، یکی در حدود یکهزار سال پیش و دیگری در حدود یک صد سال پیش، یکی فقیهی نامدار در ری و دیگری فقیهی بزرگوار در جی. نقاط مشترک در میان این دو فقیه بزرگ بسیار فراوان است: هر دو فقیه، هر دو محدث، هر دو ادیب، هر دو پر تلاش، هر دو زاهد، هر دو صاحب آثار پر بار، هر دو دل‌باخته مولا،

اما در مورد فرمان تألیف:

به هر دو از سوی حضرت بقیة الله فرمان رسیده که کتابی بنویسند. به هر دو موضوع کتاب به صراحت اعلام شده است. هر دو فرمان در عالم رؤیا بوده و نشانه‌های صادقانه بودنش مشهود بوده است.

ولی به صاحب مکیال دو نکته تذکر داده شده، که در فرمان شیخ صدوق نبوده است:

(۱) زبان

به ایشان امر شده که عربی بنویسند.

(۲) نام

به ایشان امر شده که نام آن را «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» بگذارند.

این دو خصوصیت در فرمان شیخ صدوق نبود.

کسی را که امام زمان علیه السلام شایسته دیده به او فرمان دهد که در حق آن حضرت کتاب بنویسد، هیچ نیازی ندارد که اقوال دیگران در حق او بررسی

شود، ولی از باب نمونه به چندین گفتار و اظهار نظر کوتاه اشاره می‌کنیم، که هر یک از آنها گوشه‌ای از زندگانی سراسر افتخار ایشان را بیان می‌کند.

سخن یار در حدیث دیگران

محقق توانا، حضرت آیه‌الله سید محمدعلی روضاتی، در شرح حال صاحب مکیال می‌نویسد:

تا جایی که من اطلاع دارم، نخستین کسی که شرح حال ایشان را نوشته، مرحوم میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی است.

مرحوم حبیب‌آبادی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ق.) در سه اثر ارزشمند خود شرح حال ایشان را آورده است:

(۱) الأملی

وی در این کتاب می‌نویسد:

از بزرگان علمای اصفهان و سادات جلیل‌القدر آن، که در مسجد امامزاده اسماعیل بن زید بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام به جای پدرش سید میرزا عبدالرزاق موسوی اقامه جماعت می‌کرد.

به شدت و کثرت مشغول جمع احادیث وارده پیرامون حضرت مهدی علیه السلام بود.

مادرش دختر حاج میرزا حسین نائب‌الصدر بود.

دانش‌اش حاج میر محمدصادق مدرس و فقیه.

پیرامون حضرت مهدی علیه السلام شعر می سرود و به تقی تخلص می کرد.
خطش زیبا و نیکو بود. (۱)

(۲) مقالات مبسوطه

حبیب آبادی در این کتاب به ابعاد دیگری از شخصیت صاحب
مکیال پرداخته می نویسد:

در محضر اساتید بزرگ اصفهان تلمذ کرده، از علمای مبرز و
مسلم الاجتهاد شده، سالها پیش از وفاتش بین من و ایشان
روابط دوستی برقرار بود.

مکرر در خانه اش واقع در محله یزدآباد به دیدارش رفتم.
همه عمر با قناعت و عفت نفس زندگی کرد، به زیارت خانه
خدا و عتبات عالیات مشرف شد.

وی به طور مکرر از سوی برخی مؤمنان به نیابت می رفت.
مختصر چیزی که از متاع دنیا داشت فروخت و در ماه رجب
۱۳۴۸ ق. به عتبات عالیات رفت. پس از بازگشت به مرضی
مبتلا شد، که به مرگ او منجر گردید.

(۳) مکارم الآثار

وی در کتاب گرانسنگ «مکارم الآثار» در ذیل حوادث سال
۱۳۰۱ ق. می نویسد:

سیدی بزرگوار، فقیهی ادیب و از علمای ممتاز اصفهان بود.

خط نمکین داشت و شعر زیبا می سرود.

مردم اعتقاد خاصی به عریضه نگاری اش به پیشگاه امام منتظر - عجل الله تعالی فرجه - و زیارت عاشورایش داشتند. مکرر به خدمتش مشرف شده، از محضرش استفاده‌ها بردم. (۱)

۴. صاحب الذریعه

علامه تهرانی از صاحب مکیال بدون واسطه نقل می کند که به من

خبر داد:

من در شب جمعه، پنجم جمادی الاول، ۱۳۰۱ ق. متولد شدم. در محضر پدرش سید عبدالرزاق، میرزا بدیع، محمد کاشانی، عبدالکریم جزوی و ابوالقاسم دهکردی درس خوانده، از دو نفر اخیر به دریافت اجازه نایل آمده است. شب ۲۵ رمضان ۱۳۴۸ ق. وفات کرد، در تخت فولاد در کنار پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. پدرش نیز از علمای اعلام بود.

وی از علمای اعلام، قائم به وظائف شرعیّه، امامت جماعت، وعظ و غیره بود.

تالیفاتی دارد که از آن جمله است: نور الأبصار، و... سبط فاضلش سید محمدعلی موحد ابطحی، متولد ۱۳۴۹ ق. می باشد. (۲)

۱. حبیب آبادی، مکارم الآثار، قسمت مخطوط، حوادث ۱۳۰۱ ق.

۲. تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۵۸.

۵. مصلح الدین مهدوی

مورخ گرانمایه مرحوم سید مصلح الدین مهدوی (۱۲۹۴ - ۱۳۷۴ ش) در شرح حال صاحب مکیال می نویسد:

سید محمدتقی فقیه احمدآبادی، بن سید عبدالرزاق، بن سید عبدالجواد موسوی احمدآبادی، بن میرقاضی، بن سید محمدنائب الصدر، بن میر محمدتقی موسوی (وزیر شاه صفی = شاه سلیمان صفوی و همسفر او در سفر خراسان و مشهد مقدس) عالم، فاضل، خطیب بارع و مجتهد جلیل القدر، در شب جمعه، ۵ جمادی الاولی ۱۳۰۱ ق. در اصفهان متولد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان به کسب فیض پرداخته و یا اجازه دریافت نموده ... تا این که به مقامات عالیة علم و اجتهاد رسید. (۱)

۶. زِرْکَلِی

خیرالدین زِرْکَلِی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۶ ق.) در کتاب ارزشمند الأعلام در شرح حال ایشان می نویسد:

محمدتقی احمدآبادی (۱۸۸۴ - ۱۹۳۰ م.) محمدتقی بن عبدالرزاق، بن عبدالجواد موسوی احمدآبادی، فقیه امامی، مشتغل به ادبیات، از اهل اصفهان، آثاری نوشته، که از آن جمله است: نور الأبصار، بساتین الجنان و محاسن الأديب. (۲)

۷. کخّاله

عمر رضا کخّاله (۱۳۲۳ - ۱۴۰۸ ق.) در کتاب ارزشمند معجم المؤلفین در شرح حال ایشان می‌نویسد:

محمدتقی احمدآبادی (۱۸۸۴ - ۱۹۳۰ م.)

محمدتقی بن عبدالرزاق، بن عبدالجواد موسوی احمدآبادی اصفهانی، عالم، ادیب و خطیب، در جمادی الاولی متولد شد، از میرزا بدیع، محمد کاشانی، عبدالکریم جزّی و غیر آنها بهره‌ها برد، در ۲۵ رمضان وفات کرد و در مقبره تخت فولاد (اصفهان)^(۱) به خاک سپرده شد.

از تألیفات اوست: نور الأبصار، کنز الغنائم، سراج القبور، بساتین الجنان و محاسن الأدیب.^(۲)

۸. مشار

خان بابا مشار (- ۱۴۰۰) در شرح حال ایشان می‌نویسد:

سید محمدتقی، بن عبدالرزاق موسوی احمدآبادی اصفهانی (۱۳۰۱ - ۱۳۴۸ ق.) از علما و فضلا و از شاگردان دهکردی بوده و طبع شعر نیز داشت.

در رمضان ۱۳۴۸ ق. وفات یافت و در اصفهان مدفون گردید.

آنگاه شش عنوان از آثارش را نام می‌برد.^(۳)

۱. در مصدر به جای اصفهان، اشتباهاً همدان آمده، ما صحیح آن را در میان پرانتز آوردیم.

۲. کخّاله، معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۳۱.

۳. مشار، مؤلفین کتب چاپی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۹. جابری انصاری

میرزا محمدحسن خان جابری انصاری (۱۲۸۷ - ۱۳۷۶ ق.) ادیب، شاعر و مورخ توانا، در شرح حال ایشان می نویسد:

میرزا سید محمدتقی ... از معاصران، صاحب تألیفات فراوان ... سالها با ایشان دوستی ما ادامه داشت، همانند پدرش خوش خط بود، در جوانی درگذشت. (۱)

۱۰. علامه روضاتی

سرآمد اهل تحقیق، پیشوای اهل پژوهش، استاد فضیلائی زمان در تراجم، رجال و علم انساب، آیه الله سید محمدعلی روضاتی دامت برکاته، رساله پرباری در شرح حال فقیه ماندگار نوشته و آن را «آثار التقوی» نام نهاده اند، که ترجمه عربی آن در مقدمه کتاب مکیال چاپ شده است، چند فرازی از آن تقدیم می گردد:

این رساله «آثار التقوی» در احوال و آثار سرور ما، عالم فاضل، محقق مدقق، فانی در ولای اهل بیت پیامبر ﷺ، اخلاصمند و منقطع به آستان ولی عصر و زمان، مهدی آل محمد (عج).

یعنی: سیّد تقی نقی، حاج میرزا سید محمدتقی موسوی اصفهانی، مشهور به: احمدآبادی رحمته الله علیه. (۲)

۱. جابری انصاری، تاریخ اصفهان، ج ۲، ص ۵۳.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹ (مقدمه).

آنگاه در مورد کتاب مکیال و نیاکان صاحب مکیال سخن گفته، در پایان فرموده:

سالهای عمر شریفش ۴۷ بود، یعنی از جوانی پا به سن کهنوت نهاده بود، در عین حال آثار علمی متعددی از خود برجای نهاد که از اول بسیار پخته، کامل، اصیل و عمیق تدوین کرده بود.

و آن به برکت خلوص نیت، اخلاص در کسب فضیلت، در همه مراحل آن، تلاش در عمل خالص، توجه کامل به خدا و انقطاع از غیر خدا بود.

سپس اضافه می‌کند:

وی علاوه بر اینها اخلاص عجیبی به اهل بیت پیامبر داشت، در همه حالات به ائمه اطهار علیهم السلام متوسل بود، در همه رفتار و گفتارش از آنها پیروی می‌کرد، از تعالیم عالیه و ارشادات قویمه آنها هرگز تخطی نمی‌کرد.

به ویژه حضرت ولی عصر (عج) که گامهای بلندی در معرفت آن حضرت برداشت و در انجام وظائف یک مؤمن منتظر، در عصر غیبت، از دعا و توسل و تمسک به ذیل عنایت آن حضرت تلاش فراوان نمود.

همین ارادت و تلاش او را به تألیف کتابهای مفید و رساله‌های سودمند در عرصه مهدویت نمود، که مهم‌ترین آنها کتاب: «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» می‌باشد.^(۱)

صاحب مکیال از دیدگاه مرجعیت شیعه

بسیاری از مراجع بزرگ تقلید در مورد صاحب مکیال ابراز محبت کرده‌اند که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. آیه‌الله بروجردی

صدرنشین مسند فقاہت، مرجع اعلاى جهان تشیع، مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسین بروجردی (۱۳۸۰ ق.) در ایام تحصیل خود در اصفهان، در حوزه‌ی درسی صاحب مکیال حضور یافته و از ایشان به عنوان استاد خویش تجلیل می‌کردند.

روزی حاج آقا محمد فقیه، فرزند برومند صاحب مکیال به محضر مقدس مرجعیت جهان تشیع شرفیاب می‌شود، مرحوم آیه‌الله بروجردی از ایشان تجلیل فراوان می‌کند، پس از آنکه ایشان از مجلس خارج می‌شوند، حاضران از محضر معظم‌له می‌پرسند که ایشان کی بودند که این همه به ایشان احترام نمودید؟ می‌فرمایند:

ایشان فرزند استاد من بودند، من در خدمت والد ایشان آقا میر سید محمد تقی تلمذ کرده‌ام.^(۱)

۲. آیه‌الله دهکردی

فقیه عالیقدر، آیه‌الله سید ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ ق.) صاحب

۱. موحد ابطحی، آشنایی با زندگی و شخصیت و شهادت دل‌باخته‌ی امام زمان، ص ۲۵.

رساله و مرجع تقلید جمعی از مؤمنین اصفهان و چهار محال بودند، در اجازه اجتهادی که به صاحب مکیال نوشته‌اند، در مورد ایشان می‌نویسند:

مشیت خداوند منان تعلق یافته که در هر عصری به وسیله عالمانی عادل این دین قویم و صراط مستقیم را محافظت نماید، شبهات جاهلان و تحریف منحرفان را به وسیله آن عالمان عادل دفع نماید.

از کسانی که در این زمان این راه هدایت را پیموده‌اند، منهاج مستقیم را اخذ کرده‌اند، احادیث ائمه طاهرین را منتشر نموده‌اند، به مقام فقاہت در دین رسیده‌اند، عالم عامل، فاضل کامل، جامع کمالات نفسانی، حائز مراتب ایمانی، مہذب باصفا، فرهیخته باسداد، برادر و دوست ما: «حاج میرزا محمدتقی» ادام الله تأییدہ.

ایشان پس از آن که مقداری از مباحث اصولی و مسائل فقهی را در نزد ما خواند، ایشان را صاحب ذهن وقاد، فهم نقاد، قریحہ قویم، سلیقہ مستقیم، بیرون از ربقة تقلید، واصل به درجہ اجتهاد، مروّج دین، ناشر احکام سید مرسلین، افتخار سادات علوی و مفخرہ شیعیان امامی یافتیم، انشاء الله ابر دانش و بارش فضلش بر سر شاگردان و ارادتمندان مستدام باد. (۱)

۳. آية الله صافی

مرجع عالیقدر جهان تشیع، پیشتاز عرصه مہدویت، حضرت آية الله

۱. مکیال، ج ۱، ص ۱۸ (مقدمه).

حاج شیخ لطف الله صافی، صاحب منتخب الأثر و دهها اثر ارزشمند در حوزه مهدویت، در کتابی که تحت عنوان: «من لهذا العالم» به عنوان مقدمه بر کتاب مکیال تألیف نموده‌اند^(۱) پس از ستایش فراوان از کتاب مکیال در مورد مؤلف آن می‌نویسند:

بر خداوند است پاداش مؤلف گرانمایه، مخلص در ولایت، با وفا در حق امامان، علامه، حجت و آیت: «سید محمدتقی موسوی» که چه مشقت‌ها در تدوین این اثر متحمل شدند، که سنگینی آن را جز یگانه‌های دوران از ارباب قلم نمی‌توانند لمس کنند.

گوارایش باد این توفیق ربانی و عنایات الهی، که جز به اهل اخلاص و اهل صفا و صاحبان نیت پاک و قلب سلیم و متمسک به ریسمان عترت طاهره هرگز چنین توفیقی عطا نمی‌شود.^(۲)

اجازه اجتهاد صاحب مکیال

آیه‌الله دهکردی به فقیه احمدآبادی اجازه اجتهاد داده و از ایشان تجلیل فراوان به عمل آورده است.

آیه‌الله سید ابوالقاسم دهکردی در روز شنبه غرّه رجب ۱۲۷۲ ق. در

۱. این کتاب به عنوان مقدمه بر کتاب مکیال تألیف شده، به سال ۱۳۹۸ ق. در مقدمه جلد

دوم و بعدها در مقدمه جلد اول مکیال به چاپ رسیده، در همان ایام در ۴۴ صفحه رقعی به

طول مستقل چاپ شده و اخیراً در ضمن کتاب لمحات منتشر شده [نگارنده، کتابنامه

حضرت مهدی، ج ۲، ص ۶۸۹].

۲. مکیال، ج ۱، ص ۴۱ (مقدمه).

دهکرد (شهرکرد فعلی) متولد شد، مقدمات را در اصفهان، تحصیلات عالی‌اش را در نجف و سامرا در محضر آخوند خراسانی و میرزای شیرازی فراگرفت، به مقام والای اجتهاد رسید.

به سال ۱۳۰۹ ق. به اصفهان بازگشت، تدریس درس خارج در مدرسه صدر و مرجعیت امور شرعی را برعهده گرفت. جمعی از مؤمنین اصفهان و اهالی چهارمحال مقلد ایشان بودند.

وی روز یکشنبه ۶ شوال ۱۳۵۳ ق. درگذشت و در امامزاده زینبیه اصفهان به خاک سپرده شد. (۱)

مرحوم مهدوی از ۲۶ عنوان از تألیفات ایشان نام برده است. (۲)
آیه‌الله دهکردی اجازه‌نامه اجتهاد به صاحب مکیال داده‌اند که ترجمه‌اش از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

علامه روضاتی این اجازه‌نامه را از روی نسخه‌ای که با نسخه اصل به خط صاحب اجازه، مقابله شده بود، به شرح زیر آورده است:

صورت اجازه آقا سید ابوالقاسم بن محمدباقر دهکردی دام‌ظله، برای آقا حاج میرزا محمدتقی یزدآبادی سلمه الله تعالی:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای را که راه معرفت و یقین را به سوی دوستانش بیان کرد و راه‌های خیر و رضوان برای بندگان‌ش آسان نمود.

۱. مهدوی، اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۲.

۲. حبیب‌آبادی، مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۰۰۷-۲۰۱۰.

خداوندی که مرکب عالمان را بر خون شهیدان برتری داد و آنان را بر والاترین درجه نیک‌بختان ارتقا داد.

درود بی‌پایان بر آغازگر کتاب آفرینش و پایان بخش نامه ایجاد و یقین و درود بی‌کران بر اوصیای معصومش، خورشیدهای فلک ولایت و ارشاد و هدایت، به ویژه آنکه ولایت به وسیله او پایان یافت و کلمه به دست او به اتمام رسید.

خداوندی که مشیت الهیه‌اش بر حفظ دین قویم و صراط مستقیم تعلق یافت، پس در هر قرنی عالمانی عادل قرار داد که هر گونه شبهه جاهلان و تحریف منحرفان را از آن بزدایند.

کسی که او را در این زمان سالک راه رشاد، راهی منهج سداد، ناشر اخبار امامان معصوم، طالب فقاہت در دین، یافتیم؛ جناب عالم عامل، فاضل کامل، جامع کمالات نفسانیه، حائز مراتب ایمانیه، مهذب با صفا، فرهیخته بینا، دوست و برادرمان: حاج میرزا محمدتقی، دامت تأییداته.

پس از آنکه قسمتی از مباحث اصولی و مسائل فقهی را در نزد ما فراگرفت، او را صاحب ذهن وقاد، فهم نقاد، جودت قریحه، استقامت سلیقه، خارج از ربقه تقلید، بالغ بر رتبه «اجتهاد»، مروّج دین، ناشر احکام سید مرسلین، افتخار سادات علوی، مایه مباهات شیعیان امامی یافتیم، که خداوند سایه پر بار و بارش گرانبارش را بر سر بهره‌جویان و هدایت‌پژوهان مستدام بدارد. من به او - که خداوند روزهای گهربارش را مستدام بدارد - اجازه

دادم که از من روایت کند کتب رابعه را، که مدار بحث و تحقیق در طول قرون و اعصار بر محور آن می چرخد؛ و جوامع سه گانه: وافی، بحار و وسائل الشیعه را، که در آفاق و اکناف مشهوراند و انتسابشان به مؤلفان چون خورشید نیمروز در حد تواتر است.

و دیگر کتب پایه و مرجع در فقه و اصول، که در میان امامیه رایج و انتساب آنها به مؤلفین خود ظاهر و آشکار است.

و آنچه از قلم اینجانب تراوش کرده، از قبیل: منبر الوسیلة، اللّمعات در شرح دعای سیمات، شرح شرایع الاسلام در فقه و تنقیح المبانی در علم اصول فقه، با همان اجازة روایتی که از اساتید بزرگوارم - انار الله برهانهم - با راههای مورد اعتماد و استنادم دارم.

که از آن جمله است:

۱. سید سند، متبّع مستند، میر محمد هاشم اصفهانی؛ از شیخ اعظم، استاد افخم، عَلم هدایت و کان تقوا، شیخ مرتضی انصاری؛ از فاضل اجل ملا احمد نراقی، از استادش سید مستند سید مهدی طباطبایی بحر العلوم نجفی؛ از استادش وحید بهبهانی؛ از پدر بزرگوارش محمد اکمل؛ از گروهی از اساتیدش، که از آن جمله است: از غواص بحار آل محمد ﷺ مولی محمد باقر مجلسی اصفهانی؛ از اساتیدش که در جلد اجازات بحار الانوار یاد شده‌اند. و در اول کتاب اربعین و دیگر اجازاتش که با خط شریفش

در نزد اینجانب موجود است، تا برسد به اجداد معصومین و امامان هادین علیهم السلام.

۲. علامه علمای پژوهشگر، استاد فضلالی تلاشگر، مولی محمدکاظم هروی طوسی (آخوند خراسانی)؛ از صاحب کرامات باهره سید محمدباقر قزوینی حلاوی؛^(۱) از فقیه بزرگ شیخ جعفر نجفی، صاحب کشف الغطاء؛ از وحید بهبهانی، از پدرش محمد اکمل؛ از علامه مجلسی؛ از پدرش مولی محمدتقی؛ از شیخ الاسلام، شیخ بهائی؛ از پدرش شیخ حسین که پیراسته از هر عیب و شین است؛ از افقه فقهاء هدایتگر، شهید ثانی؛ از استادش علی بن عبدالعالی میسی؛ از استادش شمس الدین محمد بن مؤذن جزینی؛ از شیخ ضیاءالدین؛ از پدر سعیدش شهید محمد بن مکی (شهید اول)؛ از فخرالمحققین؛ از پدرش علامه - آیت خدا در زمین -؛ از محقق بزرگوار جعفر بن سعید، صاحب شرایع؛ از سید فخار بن معد موسوی؛ از ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی؛ از شیخ فقیه، ابوعلی حسن عماد؛ از پدرش ابوجعفر محمد بن حسن طوسی رحمته الله؛ از پدرش

۱. آخوند خراسانی به سال ۱۲۵۵ ق. متولد شده، و سید محمدباقر قزوینی به سال ۱۲۴۶ ق. وفات کرده است، در نتیجه آخوند ایشان رادرک نکرده، در اینجا نام یکی از مشایخ از قلم افتاده است: آخوند خراسانی از سید محمدمهدوی قزوینی و ایشان از عمویس سید محمدباقر قزوینی روایت کرده است، چنانکه در اجازه مرحوم دهکردی به میر محمدمهدی امام جمعه آمده است [حبیب آبادی، الأمالی، ص ۲۰۸].

حسن طوسی؛ از محمد بن نعمان بن محمد، شیخ مفید؛ از شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه؛ از شیخ جلیل القدر، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی؛ با اسانید یاد شده اش در کتاب شریف کافی، از اصول و فروع.

۳. از عالم موثق، میرزا محمد حسن، بن عالم فقیه آقا محمد علی نجفی؛ از شیخ بزرگ صاحب جواهر؛ از شیخ کبیر شیخ جعفر کاشف الغطاء؛ با سلسله اسناد یاد شده تا مرحوم کلینی.

۴. از شیخ فقیه، محدث نبیل، پیراسته از هر عیب، حاج میرزا حسین نوری، مقیم سامرا؛ از خاتم مجتهدان شیخ مرتضی انصاری؛ از مورد استنادش در استخراج احکام، مولی احمد نراقی؛ از آیه الله سید مهدی طباطبایی بحرالعلوم؛ از وحید بهبهانی؛ از پدرش محمد اکمل؛ از صاحب فیض قدسی، علامه مجلسی، صاحب کتاب بحار الانوار، با اسناد متصلش به ائمه اطهار، یاد شده در جلد اجازات بحار.

پس روایت کند از من - صاحب مکیال - دامت تأییداته، آنچه را که بخواهد، و به هر کس که بخواهد اجازه بدهد.

نیز به او اجازه دادم در امور حسبه منوط به اجازه حاکم شرع. او را وصیت می کنم به التزام تقوا، پرهیز از مکروهات، حسن ظن به پروردگار متعال و اصلاح در میان مردمان، که از همه کارهای خیر برتر است.

و پرهیز از مجالس موجب حسرت، دوری از سخن سرائی موجب ندامت، التزام به کم خوردن، کم گفتن و کم خفتن، ملازمت صحبت بزرگواران که بر قوت دل و شهامت درون می افزاید. از او می خواهیم که مرا از دعای خیر فراموش نکند، به ویژه در تعقیبات نمازها و در مظان اجابت دعا.

این نوشتار را محتاج ترین مردمان به درگاه خالق منان، سید ابوالقاسم دهکردی نجفی، در ۱۲ محرم الحرام ۱۳۳۴ ق. هجری، که هزاران تحیت بر صاحب هجرت باد، با دست ناتوانش نوشت. (۱)

عنایت ویژه به کتب ویژه

ائمه هدی علیهم السلام به اصحاب و یاران خود توجه ویژه داشتند، به تناسب های مختلف آنها را مورد عنایت قرار می دادند. وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداءه نیز در دوران غیبت صغری توسط چهار نایب خاص خود افرادی را مورد عنایت قرار می دادند، ولی بیش از ۱۱۰۰ سال است که با ارتحال چهارمین نایب خاص، علی بن محمد سمری به سال ۳۲۹ ق. در سفارت بسته شده، دیگر احدی به عنوان نایب خاص حضرت وجود ندارد و براساس توفیق شریفی که روز نهم شعبان ۳۲۹ ق. از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته، هر کس ادعای ارتباط کند، کذاب و افترازن می باشد.

در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبری می‌گذرد، هزاران تن در گرفتاریها به آن حضرت متوسل شده‌اند و از سوی آن حضرت مورد عنایت قرار گرفته‌اند، ولی همه اینها یک سویه است، و ارتباط دو سویه، که کسی هر وقت خواست بتواند به محضر آن قبله موعود تشرّف پیدا کند، برای احدی از مراجع و غیر مراجع امکان‌پذیر نمی‌باشد.

ولی براساس برخی از رؤیاهای صادق و حوادث واقعه، گروهی از افراد در طول یازده قرن مورد عنایت ویژه قرار گرفته‌اند که از آن جمله است: شیخ مفید، علامه حلی، مقدّس اردبیلی، شیخ انصاری، میرزای شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری، سید ابوالحسن اصفهانی و امثال آنها که در منابع مربوطه به تفصیل بیان شده است.

در این میان عنایت ویژه‌ای به برخی از کتب شده که دو نمونه آن در بخش گذشته بیان شد و آن کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق و «مکیال المکارم» مرحوم آیه‌الله احمدآبادی بود.

در اینجا به شماری از کتب دیگر که مورد توجه قرار گرفته اشاره می‌کنیم:

۱. شرایع

در تشرّفی که از طریق مرحوم آیه‌الله مرعشی نقل شده، وجود مقدّس حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه بر کتاب «شرایع الاسلام» تألیف: محقق حلی، دائی علامه حلی، متوفای ۶۷۶ ق. عنایت خاصی داشتند و فرموده‌اند: همه آن با واقع مطابق است، مگر تعداد اندکی از مسائل (۱).

۱. علوی، قبسات، ص ۱۱۲؛ قاضی زاهدی، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲. شرح شرایع

در تشرّف مرحوم سید مهدی قزوینی، تشریف‌فرمایی امام علیه السلام به منزل او در حلّه، و بیان یک خبر غیبی که پس از ده روز خبر آن رسید و تورق اوراقی از کتاب «مواهب الأنفهام» تألیف سید مهدی قزوینی در شرح شرایع الأحکام و اظهار شگفتی از آن، که مشروح آن را مرحوم محدّث نوری آورده^(۱) و مرحوم نهاوندی از او نقل کرده است.^(۲)

۳. ریاض العلماء

در تشرّف منقول از یکی از بزرگان وجود مقدّس حضرت ولی عصر علیه السلام از کتاب «ریاض العلماء» تمجید فرمودند.^(۳)

۴. تنبیه الامّة

براساس رؤیایی صادقه میرزا حسین تهرانی، کتاب تنبیه الامّه نیز مورد عنایت حضرت قرار گرفته است. مرحوم آیه‌الله میرزا حسین، فرزند حاج میرزا خلیل تهرانی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ ق.) از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری، از مراجع تقلید و از ارکان مشروطیت بود.

۱. محدّث نوری، نجم ثاقب، ص ۶۴۰-۶۴۴، داستان ۹۳: همو، جنة المأوی، ص ۱۰۴-۱۰۸، داستان ۴۴.

۲. نهاوندی، العبقری الحسان، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۷.

۳. قاضی زاهدی، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۴.

کتاب: «تنبيه الامة وتنزيه الملة» تأليف: آية الله ميرزا محمد حسين نائيني (۱۲۷۶-۱۳۵۵ ق.) استاد بسیاری از مراجع بزرگ تقلید می باشد. این کتاب خطوط حکومت اسلامی را در عصر غیبت ترسیم نموده و در جریان مشروطیت تأثیرگذار بوده است.

مرحوم آية الله نائینی شبی مرحوم آية الله حاج میرزا حسین خلیلی را در عالم رؤیا می بیند و متوجه می شود که ایشان وفات کرده است، دو طرف عبای ایشان را می گیرد در مورد مرگ و برزخ و آخرت سؤال می کند، پاسخ نمی دهد، مسائل دیگری را می پرسد و ایشان پاسخ می دهد و از زبان حضرت بقية الله ارواحنا فداء پاسخ می دهد.

مرحوم نائینی از ایشان می پرسد: حضرت اهتمامات شما را در خصوص مشروطیت چه فرمودند؟ ایشان می گوید: حضرت فرمودند: مشروطه اسمش تازه است، مطلب که قدیمی است.

سپس از زبان حضرت مثالی می زنند و تشبیه به آب می کنند که از نظر مرحوم آية الله نائینی می رود و فراموش می شود. سپس می گویند: حضرت فرمودند:

مشروطه مثل آن است که کنیز سیاهی را که دستش هم آلوده باشد به شستن دست و اداورش نمایند.

آية الله نائینی تحلیل جالبی می کنند و می فرمایند:

چقدر این مثال مبارک تمام است و منطبق می باشد بر مطلب که سهل ممتنع است و به خاطر احدی نمی رسد و بر صحت رؤیا علاوه بر قرائن قطعیه دیگر، اماره واضح است.

سیاهی کنیز اشاره به غصبت اصل تصدی و آلودگی دست، اشاره به همان غصب زاید است و مشروطیت چون مُزِیل آن است به شستن دست غاصبانۀ متصدی تشبیهش فرموده‌اند.^(۱)

آیه‌الله نائینی یک بار دیگر در پایان کتاب به این موضوع اشاره کرده نوشته‌اند:

خوب است بقیۀ همان رؤیای سابقۀ مرحوم آیه‌الله میرزا حسین تهرانی رحمته را که متعلق به همین رساله است ذکر نموده و رساله را با آن ختم کنم:

اول شروع در این رساله علاوه بر همین فصل پنجگانه، دو فصل دیگر هم در اثبات نیابت فقهای عدول در عصر غیبت، در اقامۀ وظائف مربوط به سیاست امور امت و فروع مترتب بر وجوه و کیفیت‌های آن مرتب و مجموع فصول رساله هفت فصل بود.

در همان رؤیای سابق پس از آنچه سابقاً نقل شد از تشبیه مشروطیت به شستن دست کنیز سیاه، از لسان مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، حقیر سؤال کردم که: رساله‌ای که مشغول هستم حضور حضرت مطبوع است یا نه؟ فرمودند:

بلی مطبوع است مگر دو موضع.

به قرائن معلوم شد که مرادشان از آن دو موضوع همان دو فصل است و مباحث علمی که در آنها تعرّض شده بود و با این رساله که باید عوام

۱. نائینی، تنبیه الامه، ص ۲۰ (چاپ قدیم).

هم منتفع شوند بی مناسبت بود و لهذا هر دو فصل را اسقاط نموده، به فصول خمه اقتصار کردیم. (۱)

۵. کلمة الامام المهدي

یکی دیگر از آثاری که مورد عنایت حضرت قرار گرفته، کتاب ارزشمند «کلمة الامام المهدي» اثر جاوید شهید سید حسن شیرازی، فرزند مرحوم آیه الله آقا میرزا مهدی شیرازی رحمته الله علیه می باشد.

علامه سید حسن شیرازی روز ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۰۰ ق. در بیروت توسط بعثی ها به شهادت رسید.

یکی از جهات مشترک بین ایشان و صاحب مکیال این است که هر دو در ۴۷ سالگی به شهادت رسیدند، صاحب مکیال با سمّ جفا و شهید شیرازی با تهاجم و حشیانه عوامل بعثی، با رگبار گلوله ها. صاحب مکیال به دست یک فرد شناخته شده از فرقه ضالّه و ایشان توسط ایادی بعثی، دیگر اینکه صاحب مکیال خاتمه ای برای کتاب مکیال منظور کرده بود و در جای جای مکیال به آن احاله داده بود، ولی به جهت شهادت به انجام آن موفق نشد و مرحوم شیرازی مقدمه ای برای کتاب آغاز کرده بود و در اثر شهادت به انجام آن موفق نشد. (۲)

شهید سید حسن شیرازی داستان عنایت حضرت را اینگونه بیان می کند:

۱. همان، ص ۹۵؛ کریمی جهرمی، عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع تقلید،

ص ۹۹-۱۰۱.

۲. همان، ص ۱۳۱ (پاورقی) و ترجمه آن، ص ۱۷۶ (مقدمه).

در آن ایام که در عراق در زندان بعثی‌ها به سر می‌بردم و وحشیانه مرا شکنجه و آزار می‌دادند، روزی دست توّسل به دامان مولایم حضرت بقیّة‌الله زده، از ایشان درخواست نجات و آزادی‌ام را کردم و پیمان بستم که اگر از این زندان آزاد شدم، مجموعه فرمایشات و نامه‌ها، دعاها و زیارات حضرت را جمع کنم:

روزها و شب‌ها سپری شد و دوران سخت زندان و شکنجه به سرآمد و به برکت دعای حضرت از زندان بیرون آمدم والحمدلله. پس از چند روز یکی از دوستان به دیدنم آمد و گفت:

شخص بزرگواری که بسیار هم نورانی بود را در عالم رؤیا دیدم، به من فرمود:

برو به سید حسن شیرازی بگو: زمان وفا به عهد و پیمانی که با صاحب الأمر (عج) در مورد تألیف کتاب بسته‌ای فرارسیده است.

این شخص از داستان عهد و پیمان من هیچ اطلاعی نداشت، زیرا من به احدی نگفته بودم که چنین عهدی کرده‌ام.

تصمیم گرفتم که به عهد خود وفا کنم و لذا به گردآوری منابع و مدارک لازم پرداختم.

پس از مدتی شخص دیگری به نزد من آمد، بدون اینکه بین او و شخص اول رابطه و آشنایی باشد، به من گفت:

در خواب دیدم که حضرت بقیّة‌الله ارواحنا له الفداء مطالبه عهد و پیمان و قرارداد کتاب را می‌کند..

پس عزم خود را جزم کردم و این کتاب را به رشته تحریر در آوردم. (۱)
 تألیف این کتاب موجب شد که شهید سید حسن شیرازی مجموعه‌ای
 تحت عنوان: «کلمه» آغاز کردند، یک جلد تحت عنوان، «کلمة الله»، چهارده
 مجلد برای چهارده معصوم علیهم‌السلام و یک مجلد «کلمة زینب الكبرى» علیها‌السلام.
 کلمة الامام المهدي پس از شهادت مؤلف چندین بار در ایران و
 لبنان به چاپ رسیده و جلد اول از ترجمه فارسی آن که اختصاص به
 «توقیعات» دارد، در ۷۰۰ صفحه و زیری منتشر شده است. (۲)
 در میان آثار ارزشمندی که حضرت به آنها عنایت داشتند، دو اثر از
 عنایت ویژه برخوردار بودند:

(۱) کمال الدین

(۲) مکیال المکارم

که در مورد این دو کتاب بالخصوص به تألیف این کتابها فرمان
 رسیده و موضوع کتاب از طرف شخص حضرت تعیین شده و در مورد
 مکیال دو ویژگی دیگر مطرح است:

(۱) به زبان عربی بودن

(۲) به نام مکیال المکارم موسوم شدن

که عربی، زبان امت اسلامی، زبان قرآن، زبان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و
 موجب جهانی شدن یک اثر در جهان اسلام می‌شود.

عنوان «مکیال المکارم» نیز هرگز به ذهن مؤلف نمی‌رسید، که دعا

۱. شیرازی، کلمة الامام المهدي، ص ۶ (مقدمه) و ترجمه آن، ج ۱، ص ۲۷ (مقدمه).

۲. سید حسن افتخارزاده، ترجمه کلمة الامام المهدي، نشر آفاق، ۱۴۰۷ ق.

برای حضرت به عنوان: «مکرمت» طرح شود و این کتاب به عنوان: «مکیال»، میزان، معیار، اسوه و الگو.

مکرمت بودن دعا برای فرج مولا، از یک حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام استفاده می شود، آنجا که می فرماید:

وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَّهَ اللَّهُ
عِزًّا وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ، وَوَقَّعَهُ - فِيهَا - لِلدُّعَاءِ
بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛

به خدا سوگند آنچه غیبی خواهد نمود که در آن زمان احدی از هلاکت رهایی نمی یابد، جز:

(۱) کسی که خداوند او را در اعتقاد به امامت او ثابت قدم نموده باشد.

(۲) خداوند او را توفیق دعا برای تعجیل فرج عطا فرموده باشد. (۱)

از این حدیث شریف به روشنی معلوم می شود که دعا برای تعجیل در امر فرج یک فضیلت و یک مکرمت و یک عنایت از سوی حضرت احدیت می باشد و این حقیقت در نام کتاب مکیال آمده است.

این بود بحث فشرده در مورد عنایت ویژه حضرت به برخی از کتب ویژه، که اگر تحقیق این موضوع را پی گیری کنند، یک تحقیق لطیف و پژوهش مفیدی خواهد بود.

راز و رمز این همه سوز و گداز

در میان علما و مراجع عالیقدر شیعه در طول قرون و اعصار شماری از آنها تأثیر خاصی در ترویج فرهنگ مهدویت داشته‌اند، که از آن جمله است:

(۱) شیخ صدوق؛ (۲) شیخ مفید؛ (۳) شیخ طوسی؛ (۴) سید ابن طاووس؛ (۵) علامه حلی؛ (۶) علامه مجلسی؛ (۷) سید بحر العلوم؛ (۸) میرزای شیرازی.

در این میان میرزای شیرازی از برجستگی خاصی برخوردار است، شاگردان خوبی تربیت کرده، آثار ارزشمند فراوانی به فرمان مستقیم ایشان در این رابطه تألیف شده و در یک جمله فرهنگ مهدویت توسط ایشان نهادینه شده است.

آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی، مشهور به: «میرزای شیرازی» (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ق.) صاحب فتوای معروف تنباکو و بنیانگذار مکتب سامرا، با مهاجرت به سامرا، به سال ۱۲۹۱ ق. و گردآوری نخبگان و فرهیختگان جهان تشیع در سامرا، حوزه علمی نیرومندی در آن شهر مقدس بنیاد نهاد، که در میان حوزه‌های علمی به دقت نظر شهرت یافته و به عنوان: «اصحاب سامرا» شناخته شدند.

حجت زمان، علامه دوران مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی، در کتاب گرانسنگ: «هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی» به نیکوترین وجهی این اقدام بزرگ را شرح داده و تعداد ۳۷۲ تن از شاگردان میرزا را با شرح حال فشرده‌ای نام برده است که اگر همین افراد خوب شناسانده شوند یک دائرة المعارف مهدوی خوبی تدوین می‌شود.

اسامی شماری از این فرهیختگان به شرح زیر است:

(۱) میرزا ابراهیم محلاتی؛ (۲) سید ابوالحسن طالقانی؛ (۳) میرزا ابوالفضل تهران؛ (۴) سید ابوالقاسم دهکردی؛ (۵) سید اسماعیل صدر؛ (۶) حاج آقا حسین قمی؛ (۷) میرزا حسین نائینی؛ (۸) میرزا حسین نوری؛ (۹) حاج آقا رضا همدانی؛ (۱۰) سید علی سیستانی؛ (۱۱) شیخ علی اکبر نهاوندی؛ (۱۲) فاضل شریانی؛ (۱۳) ملافتحعلی سلطان آبادی؛ (۱۴) شیخ فضل الله نوری؛ (۱۵) سید محمد فشارکی؛ (۱۶) شیخ محمدباقر بیرجندی؛ (۱۷) شیخ محمدتقی شیرازی؛ (۱۸) آخوند ملا محمدکاظم خراسانی؛ (۱۹) سید محمدکاظم یزدی؛ (۲۰) سید مرتضی کشمیری و بیش از ۳۵۰ تن دیگر از نخبگان و فرهیختگانی که از محضر میرزای شیرازی خوشه چینی نموده، به مقامات عالیه رسیده، چون سربازی جان باز در خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تلاش نموده، و برخی از آنان آثار ماندگاری در عرصه مهدویت از خود به یادگار گذاشتند.

با یک استقراء ناقص معلوم شده که همه کسانی که در یک قرن گذشته در مورد حضرت بقیة الله ارواحنا فداه اثر تأثیرگذار داشتند، یا مستقیماً از مکتب میرزا برخاستند و یا در تحت تأثیر یکی از شاگردان میرزا بوده است و اینک به شماری از شاگردان با واسطه میرزا اشاره می‌کنیم:

حلقه اتصال

بحث پیرامون شاگردان میرزا فرصت بیشتری می‌طلبد و به تدوین دایرة المعارف بزرگی نیاز دارد، و لذا در اینجا تنها از سه تن از

پرورش یافتگان شاگردان نام می‌بریم که شاگردان مرحوم میرزا حلقه اتصال این افراد با مکتب سامرا بودند:

۱. میرزا مهدی اصفهانی

آیه‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳ - ۱۳۶۵ ق.) بنیانگذار مکتب معارف خراسان، به وسیله استادش آیه‌الله سید اسماعیل صدر (۱۲۵۵ - ۱۳۴۴ ق.) از پرورش یافتگان مکتب سامرا به شمار می‌آید و تلاش او در ترویج فرهنگ مهدوی، برجیدن بساط مکتب‌های انحرافی و پدید آوردن مکتب معرفتی مهدوی، براساس:

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُسَاوِقٌ
لِلْإِنْكَارِنَا؛

معرفت‌جویی جز از راه ما اهل بیت مساوی با انکار ما می‌باشد.

بر احدی پوشیده نیست. (۱)

۲. صدر الاسلام همدانی

دبیرالدین صدر الاسلام، علی‌اکبر همدانی (۱۳۲۵ ق.) صاحب کتاب ارزشمند «تکالیف الانام فی غیبة الامام»^(۲) از شاگردان محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق.) که به مدت شش سال در نجف اشرف از محضر او خوشه‌چینی نموده است.

۱. غروی، المختار من کلمات الامام المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴ - ۱۴۱.

۲. کتاب شناختی آن را در «کتابنامه حضرت مهدی»، ج ۱، ص ۲۴۸، ملاحظه فرمایید.

وی از استادش محدث نوری چنین تعبیر می‌کند:

قریب شش سال در نجف اشرف مجاور و محصل بودم، خدمت اکثر اساتید عظام تلمذ نموده، کسب فیوضات ظاهره و باطنه نمودم، از جمله از خدمت عالم عامل، فاضل کامل، المولی المعظم، الاستاد الاعظم، اعلم العلماء العاملين، اکمل الفقهاء المجتهدين، العالم الربانی، المحقق الصمدانی، امین الاسلام والمسلمین، حجة وصی رسول رب العالمین، أعلی شیخی و استادی، ومن الیه فی جمیع العلوم استادی، المبرء من کل درن و شین، ثالث الطبر سنین، الحاج میرزا حسین النوری الحائری، ادام الله تعالی ظلّه العالی، علی مفارق الأدانی والأعالی، مشرف شده، عوالم غریبی از آن وجود مقدس مشاهده نمودم که تحریری نیست. (۱)

صدرالاسلام با این تعبیرات شیوا، میزان دل بستگی خود را به استادش میرزای نوری ابراز نموده، کتاب «تکالیف الأنام» را به سال ۱۳۱۷ ق. در حال حیات استادش به رشته تحریر درآورده و از کتاب «نجم ثاقب» بهره فراوان برده است.

مؤلف در این کتاب ۶۰ تکلیف برای ارادتمندان حضرت در عصر غیبت بیان فرموده و در تکلیف سی و چهارم بر مداومت دعای ندبه تأکید کرده است. (۲)

روی این بیان کتاب «تکالیف الانام» که نخستین کتاب در نوع خود می‌باشد، برخاسته از مکتب سامرا به وسیله محدث نوری می‌باشد.

۱. صدرالاسلام، تکالیف الأنام، ص ۱۱، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۵۴ ش.

۲. همان، ص ۱۸۸-۱۹۸.

۳. فقیه احمدآبادی

آیةالله سید محمدتقی اصفهانی احمدآبادی نیز از طریق استادش سید ابوالقاسم حسینی دهکردی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ ق.) به مکتب سامرامی پیوندد.

آیةالله دهکردی ۷ سال از محضر میرزای شیرازی بهره‌مند شده و فقیه احمدآبادی در میان اساتیدش بیش از همه از ایشان استفاده نموده و می‌توان او را معمار فکری صاحب مکیال دانست.

از مرحوم دهکردی آثار ارزشمندی در تفسیر، حدیث، فقه، اصول، ادعیه و اخلاق برجای مانده، که از آن جمله است: شرح شرایع، من لایحضره الفقیه و دعای سمات.

و حاشیه بر: رسائل، مکاسب، جامع عباسی، نخبه حاجی کلباسی، اصول کافی، وافی و تفسیر صافی.

بر این اساس صاحب مکیال نیز به واسطه استادش مرحوم دهکردی از مکتب سامرا نشأت گرفته، جز اینکه با این اثر ماندگار خود، جز محدث نوری بر همه اصحاب سامرا در ترویج فرهنگ مهدویت تفوق پیدا کرده است.

آثار پر بار فقیه ماندگار

از آیةالله فقیه احمدآبادی آثار ارزشمند فراوانی برجای مانده که با عناوین آنها در اینجا آشنا می‌شویم:

۱. آداب صلاة اللیل

در آیات فراوانی به نماز شب و تهجد و عبادت پس از نیمه شب اشاره شده^(۱) نماز شب بر پیامبر اکرم ﷺ واجب بود^(۲) و همه پیامبران بر آن مواظبت داشتند.

در احادیث فراوان به آن تشویق شده و آثار حیاتی آن در هر دو سرای گوشزد شده است.^(۳)

غالب علمای اعلام از جمله فقیه احمدآبادی به آن مداومت داشته، فرزندان و ارادتمندان را به آن توصیه می‌کردند و برای آموزش آن کتابهای فراوانی تألیف یافته، که یکی از آنها کتاب ارزشمند «آداب صلاة اللیل» است که مرحوم صاحب مکیال آن را بنا به خواهش یکی از طلاب به زبان عربی نوشته است.

۲. ابواب الجنات فی آداب الجمعات

پس از مکیال المکارم، مهم‌ترین اثر صاحب مکیال، کتاب «ابواب الجنات» است که آن را در آداب مربوط به روزهای جمعه تألیف کرده است. ایشان به جهت ارادت خاصی که به حضرت بقیة الله داشتند، با توجه به این که روز جمعه اختصاص به آن حضرت دارد، این کتاب را به رشته تحریر درآورد.

۱. آل عمران: ۱۷؛ اسراء: ۷۹؛ فرقان: ۶۴؛ سجده: ۱۶ و ذاریات: ۱۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۶.

۳. ر.ک: ارمغان مجلسی، از نگارنده سطور، ص ۱۱۰-۱۲۴.

مؤلف در سال ۱۳۲۶ ق. که بیش از ۲۵ بهار از عمرش نگذشته بود، از تألیف این کتاب بپرداخت.

مؤلف گرانقدر تنها مؤلف نبود، بلکه عالمی عامل بود و به آنچه می نوشت، نخست خودش عمل می کرد.

به نقل فرزند برومندش حاج آقا محمد فقیه، ایشان به همه آنچه در آداب روز جمعه نوشته بود، در روزهای جمعه عمل می کرد.

کهن ترین کتاب مستقل پیرامون اعمال روز جمعه، کتاب «العروس» از فقیه ری ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، معاصر شیخ صدوق می باشد، که نسخه اش به دست علامه تهرانی رسیده است.^(۱) و جامع ترین کتاب در این رابطه توسط فقیه جی، مرحوم صاحب مکیال به رشته تألیف درآمده است.

این کتاب به سال ۱۴۰۴ ق. در ۵۵۲ صفحه و زیری در قم به چاپ رسید.

چنانکه در مقدمه کتاب مکیال تصریح کرده، همین کتاب زمینه

تألیف کتاب مکیال را فراهم نمود.^(۲)

مؤلف آرزو داشت که کتاب دیگری پیرامون ماه رمضان تألیف کند،

زیرا ماه رمضان ماه امام زمان است، صیحه آسمانی و ظهور جهانی در

شب قدر خواهد بود، ولی چنین توفیقی حاصل نشد، فرزند بزرگوارش

آن آرزو را جامه عمل پوشانید و کتاب ارزشمندی تألیف نمود و آن را

۱. تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۲۵۳.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۴ (مقدمه).

«کنز المرام فی اعمال شهر الصّیام» نام نهاد. (۱)

ایشان همچنین آرزو داشتند که کتاب مستقلی پیرامون تواضع و نکوهش کبر بنویسند، آن را نیز فرزند برومندشان تحقق بخشیدند و «مفتاح الشرف» نام نهادند.

۳. انیس المتفردین

این کتاب را در هفده سالگی تألیف کرده، روز پنجشنبه، سوم جمادی الاول ۱۳۱۸ ق. از تألیفش پرداخته و آن را «انیس المتفردین ومصاحب المتجرّدین» نام نهاده است.

۴. ایضاح الشبهات

از دیرباز علمای بزرگ پیرامون مشتبّهات قلم فرسایی نموده، آثاری چون «فروق اللّغة»؛ «الاکمال»، «المشتبه»، و «المختلف» به یادگار نهادند، ولی صاحب مکیال این کار سخت و دشوار را در ۱۵ سالگی انجام داده و کتاب «ایضاح الشبهات فی الفروق بین المشتبهات» را به سال ۱۳۱۶ ق. تألیف نموده و تصریح کرده‌اند که:

وقد فرغت من تألیف هذا الكتاب ومضى من عمری

خمس عشر سنین.

۱. این کتاب در ۶۰۸ صفحه و زیری به سال ۱۳۸۸ ش. در قم به چاپ رسید.

در این کتاب به فرق کلماتی چون: «عندی» و «لدی»؛ «لم» و «لما» و امثال آنها پرداخته است.

۵. بساتین الجنان

مؤلف در ایام تحصیل معانی و بیان، شرحی بر ارجوزه ملامحمد نوشته و آن را: «بساتین الجنان فی علمی المعانی و البیان» نام نهاده است. وی در صفر ۱۳۱۹ ق. که تنها ۱۸ بهار از عمرش می‌گذشت از تألیف آن فارغ شده است.

۶. تحفة المتأدین

به هنگام اشتغال به ادبیات کتاب هدایه را شرح کرده و آن را «تحفة المتأدین فی شرح هدایة الطالبین» نامیده است.

۷. تذكرة الطالبین

فقیه احمدآبادی که در ۱۶ سالگی در نظم و نثر سرآمد اقران بود، کتاب آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی را به درخواست میرزا احمد ادیب جواهری، در ۲۰۰ بیت به نظم درآورد و آن را «تذكرة الطالبین فی نظم آداب المتعلمین» نام نهاد.

این کتاب در همان تاریخ (۱۳۱۷ ق. در تهران به چاپ رسید.^(۱) سبک شعر مثنوی می‌باشد.

۸. ترغیب الطلاب

در گذشته طلاب علوم دینی به صرف و نحو خیلی بهامی دادند و متون ادبی را با دقت فرامی گرفتند و قرائت صحیح را ارج می نهادند، از این رهگذر تعدادی از آثار این ادیب ماندگار به حوزه ادبیات مربوط می باشد، از جمله اثری ارزشمند در نحو به نام: «ترغیب الطلاب الی علوم الاعراب».

۹. تعادل و تراجیح

فقیه احمدآبادی در غالب حوزه ها اثر آفریده، از جمله در حوزه اصول فقه نیز رساله ای پیرامون تعادل و تراجیح از خود به یادگار نهاده است.

۱۰. تفسیر قرآن

مؤلف علاوه بر نکات تفسیری فراوانی که در جای جای مکیال المکارم تذکر داده، کتاب تفسیری نیز به زبان عربی نگاشته است.

۱۱. توضیح الشواهد

یکی از آثار ارزشمندی که در حوزه ها خلأ بزرگی را در ادبیات پر کرده، کتاب: «جامع الشواهد» میرزا محمدباقر اردکانی معاصر صاحب جواهر است، که در آن شواهد شعری شرح امثله، تصریف، عوامل، قطر، انموذج، هدایه، کافیه، سیوطی، مغنی، مطول و غیره را شرح نموده و صاحب مکیال توضیحی بر این کتاب نوشته است.

۱۲. الحاشیة علی شرح الکافیة

ابن حاجب مالکی متوفای ۶۴۶ ق. کتاب ارزشمندی در نحو به نام: «الکافیة فی النحو» نوشته، که قرن‌ها جزء کتب درسی حوزه‌ها بود. بر این کتاب دهها شرح نوشته شده، از جمله شرح خُبَیصی، توسط شمس‌الدین محمد خُبَیصی، متوفای ۷۳۱ ق. به نام: «المَوْشَّح فی شرح الکافیة».

در ایام تحصیلات صاحب مکیال نسخه‌های کتاب مَوْشَّح کمیاب بود، از این رهگذر نسخه‌ای از آن را به خط زیبای خود استنساخ نمود و حاشیه‌هایی بر آن نوشت که به عنوان: «حواشی بر شرح خبیصی» شناخته شد.

۱۳. دیوان شعر

خداوند منان به صاحب مکیال قریحه شعری روان عطا فرموده و ایشان نیز این قریحه خدادادی منحصرأ در خدمت خاندان عصمت و طهارت هزینه کرده و اشعار نغز و پرمغز فراوانی به فارسی و عربی ستوده و نام خود را در جدول شعرای دو زبانه به ثبت رسانده است. در جای جای مکیال المکارم و دیگر آثار پربار خود نمونه اشعارش جلوه خاصی دارد.

تخلّص ایشان در مجموعه‌های شعری خود: «تقی»، «شرعی» و در مواردی «شرعی زاده» می‌باشد.

این قریحه شعری همانند بسیاری از ویژگی‌هایش به فرزند برومندش حاج آقا محمد فقیه به ارث رسیده است.

۱۴. سراج القبور

فقیه احمد آبادی علاوه بر کتاب «آداب صلاة اللیل» کتاب دیگری در همین رابطه به فارسی نوشته و آن را «سراج القبور» نام نهاده است تا اهل تهجد را که در تاریکی شب با خدای بی نیاز راز و نیاز دارند به یاد تاریکی قبر انداخته، به توشه گیری از این جهان برای روشنی آن سرای تشویق نماید.

در پایان این کتاب مؤلف می نویسد:

بدانکه عمده شروط استجابت دعا، علاوه بر معرفت خدا

و رسول ﷺ چهار چیز است:

(۱) معرفت به امام زمان عجل الله فرجه

(۲) تحصیل غذای حلال

(۳) فراغت از مظالم عباد و رد کردن حقوق آنان

(۴) دل شکستگی و توجه تام به حق تعالی و قطع امید از خلق

نمودن، انشاء الله تعالی شأنه.

این کتاب در ماه شعبان ۱۳۳۳ ق. پایان یافته و در همان سال به

پیوست دو کتاب دیگر از مؤلف، با تقریظی از مرحوم آیه الله سید

ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ ق.) در تهران انتشار یافته است.

این کتاب سپس توسط مرحوم آیه الله حسن سعید به سال ۱۴۰۱ ق.

در تهران، به سال ۱۴۲۲ ق. در اصفهان و چندین بار در قم، از جمله به

سال ۱۴۲۹ ق. تجدید چاپ شده است.

۱۵. شرح تصریف

وی همچنین شرح مختصری بر کتاب «تصریف» از کتب درسی حوزه‌ها در مورد صرف نوشت.

۱۶. شرح نصاب

دانشمند فرهیخته مرحوم صاحب مکیال از نه سالگی قلم به دست گرفته، شماری از کتب درسی خود را با خط زیبای خود استنساخ نموده است.

این کار چندین اثر داشت:

۱. تمرین خط بود و خوشنویسی اش تقویت می‌شد.

۲. کمک شایانی به حفظ مطالب می‌نمود.

۳. صرفه‌جویی اقتصادی داشت.

۴. خلأ کمیابی نسخ مورد نیاز را پر می‌کرد.

یکی از نسخه‌هایی که ایشان استنساخ کرده، کتاب «نصاب الصبیان»

ابونصر فراهی متوفای ۶۴۰ ق. می‌باشد، که آن را با خط زیبای خود

استنساخ کرده و شرح نموده، در تاریخ ۱۶ رجب ۱۳۱۰ ق. از تألیف آن

پرداخته، که هنوز بیش از نه بهار از سن شریفش نگذشته بود.^(۱)

۱۷. ضیاء المنیر

یکی دیگر از آثار ایشان در صرف «ضیاء المنیر» نام دارد.

۱۸. کنز الغنائم

یکی از آثار ارزشمند مؤلف در حوزه مهدویت، کتاب شریف: «کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» می باشد.

مؤلف در این کتاب آثار و فواید دعا برای تعجیل در امر فرج را در پرتو احادیث وارده از معصومین علیهم السلام با قلمی روان به رشته تألیف درآورده، در رجب ۱۳۳۳ ق. از تألیف آن پرداخته است.

این کتاب به پیوست دو کتاب دیگر از مؤلف: (۱) نور الابصار؛ (۲) سراج القبور، در رمضان همان سال در اصفهان چاپ سنگی شده، سپس همین مجموعه با مقدمه‌ای از فرزند مؤلف، به سال ۱۴۰۱ ق. تحت عنوان: «حمایت امام زمان از شیعه» از سوی مرحوم آیه الله شیخ حسن سعید، در تهران تجدید چاپ گردید و اخیراً تحت عنوان: «نور الابصار» به سال ۱۴۲۲ ق. در اصفهان چاپ حروفی شد.

کتاب «کنز الغنائم» به پیوست «نور الأبصار» به سال ۱۳۵۹ ش. تحت عنوان: «راز نیایش منتظران» در تهران و به سال ۱۳۶۱ ش. تحت عنوان: «فضیلت انتظار» در یزد تجدید چاپ شده است.

۱۹. محاسن الأديب

وی در ۱۸ سالگی اثر ارزشمند دیگری به نام: «محسن الأديب فی دقائق الأعراب» در نحو به رشته تحریر درآورد و روز چهارم جمادی الاول ۱۳۱۹ ق. از تألیف آن پرداخت.

۲۰. مکیال المکارم

از نظر تاریخی آخرین و از نظر اهمیت مهم‌ترین و از نظر شهرت مشهورترین اثر آیه‌الله موسوی احمدآبادی، کتاب شریف: مکیال المکارم است، که دقیقاً یکصد سال پیش به فرمان حضرت بقیةالله ارواحنا فداه به تألیف آن شروع کرده و ۱۷ سال تمام شب و روز به بررسی و تحقیق در تهیه و تدوین اشتغال داشته و پیش از آنکه به خاتمه آن برسد، به شهادت رسیده و این اثر بی‌خاتمه، خاتمه یافته است. قطب عالم امکان، ولی عصر و زمان، حضرت بقیةالله ارواحنا فداه، در یک رؤیای صادقانه به ایشان فرمان دادند:

این کتاب را بنویس،

عربی هم بنویس،

و نام آن را: «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» بگذار. (۱)

مؤلف پیش از آنکه به اطاعت و امتثال امر امام بپردازد، به سال ۱۳۳۰ ق. به زیارت خانه خدا مشرف می‌شود، در آنجا وبا شیوع پیدا می‌کند، نذر می‌کند که اگر سالم به وطن برسد به تصنیف آن بپردازد. به لطف خدا و عنایت حجت خدا سالم به میهن می‌رسد و در سال ۱۳۳۱ ق. به نذر خود عمل کرده، به تألیف کتاب می‌پردازد.

کتاب مکیال در واقع دائرة المعارف فرهنگ مهدویت با رویکرد آثار و فواید دعا برای قائم آل محمد علیهم‌السلام تألیف شده است.

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵ (مقدمه).

صاحب مکیال در این کتاب از ۱۷۵۹ حدیث بهره جسته، یک دوره معارف مهدوی را با شیوه خاصی به رشته تحریر درآورده، علل و انگیزه‌های دعا برای حضرت را به ترتیب حروف الفباء برشمرده، ضرورت شناخت امام علیه السلام را با استناد به دلایل عقلی و نقلی فراوان اثبات کرده، فواید و نتایج دعا برای حضرت را به صورت علمی، ولی همه فهم تشریح نموده است.

اولین چاپ مکیال توسط فرزند برومندش حاج آقا محمد فقیه به سال ۱۳۶۹ ق. در ۵۸۷ صفحه و زیری در اصفهان چاپ سنگی شد. به سال ۱۳۹۸ ق. چاپ دوم آن را در دو جلد، مجموعاً در ۹۹۶ صفحه و زیری در قم چاپ حروفی شد، چاپ سوم آن در بیروت و چاپ چهارم آن به سال ۱۴۲۲ ق. در ۱۱۵۸ صفحه در قم تجدید چاپ شد.

۲۱. المنابر

صاحب مکیال هفته‌ای دو شب در مسجد خود منبر می‌رفت، مطالب منبرش را یادداشت می‌کرد، این نوشته‌ها به نام: «کتاب المنابر» آماده چاپ می‌باشد.

۲۲. نور الأبصار

یکی دیگر از آثار پراج مؤلف در عرصه مهدویت کتاب: «نور الأبصار فی فضیلة الانتظار» می‌باشد.

چنانکه در رقم ۱۸ متذکر شدیم، کتاب «نور الأبصار» به پیوست دو

اثر دیگر از مؤلف: (۱) کنز الغنائم؛ (۲) سراج القبور، در رمضان ۱۳۳۳ ق. در اصفهان چاپ سنگی شده، سپس همین مجموعه تحت عنوان: «حمایت امام زمان از شیعه» در تهران افست شده، به سال ۱۴۲۲ ق. به نام: «نور الأبصار» در اصفهان چاپ حروفی شده است. کتاب نور الابصار به پیوست کنز الغنائم تحت عنوان: «راز نیایش منتظران» در تهران و تحت عنوان «فضیلت انتظار» در یزد به طبع رسیده است.

۲۲. وظیفه الانام

یکی دیگر از آثار پر بار این فقیه ماندگار در حوزه مهدویت کتاب پرارج: «وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام» می باشد. مؤلف در این کتاب ۵۴ وظیفه برای شیعیان در حال عهد غیبت امام زمان علیه السلام در پرتو احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان کرده است. در واقع این سه کتاب: (۱) نور الابصار؛ (۲) وظیفه الانام؛ (۳) کنز الغنائم، راه را برای تألیف کتاب «ابواب الجنات» فراهم ساخته و آن بستر مناسبی برای تألیف مکیال المکارم شده است. مؤلف این کتاب را در دو جلد تدوین کرده، جلد اول را به سال ۱۳۳۱ و جلد دوم را به سال ۱۳۳۲ ق. به پایان رسانده است.

این کتاب در همانسال با تقریظ: (۱) آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی؛ (۲) آیه الله شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی به چاپ رسیده، سپس با مقدمه مرحوم عمادزاده افست شده است.

این کتاب چندین بار به طور مستقل و به پیوست: کنز الغنائم و چندین

بار به انضمام: کنز الغنائم و سراج القبور در تهران، اصفهان و قم چاپ سنگی و حروفی شده است.

این کتاب چندین بار بدون ذکر تاریخ و محل چاپ به نام: «در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام چه کنیم؟» چاپ شده است.

این کتاب همچنین دو بار به عربی ترجمه شده و هر دو ترجمه به سال ۱۴۰۷ ق. منتشر شده است:

- (۱) ترجمه سید محمد منیر میلانی، چاپ بیروت، دار القاری.
 - (۲) ترجمه سید ابوالاحمد کاظمی، چاپ قم، دار الامام المهدی علیه السلام.
- این بود کتابشناختی فشرده آثار پربار فقیه ماندگار مرحوم آیه الله سید محمد تقی موسوی احمدآبادی رحمته الله علیه.

ترجمه فارسی

مؤلف بزرگوار حضرت آیه الله احمدآبادی، متن کتاب را به فرمان واجب اطاعت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به عربی نوشته و مورد استفاده همه محافل علمی قرار گرفته است.

ولی ضرورت ایجاب می کرد که این کتاب به فارسی نیز ترجمه شود، تا عاشقان شیفته و ارادتمندان پاکباخته آن حضرت، از همه اقشار و طبقات بتوانند از آن استفاده کنند.

صدیق ارجمند، محقق ارزشمند، استاد سید مهدی حائری قزوینی که از شیفتگان حضرت و پیشتازان عرصه مهدویت هستند، توفیق ترجمه

آن را پیدا کردند و آن را در دو جلد ترجمه و منتشر نمودند.

ترجمه مکيال چندین بار از سوی انتشارات بدر، از جمله به سالهای: ۱۳۶۱، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۹ ش. در ۱۲۶۰ صفحه وزیری (۶۴۰ + ۶۲۰) در تهران و چندین بار از سوی انتشارات مختلف، از جمله به سالهای: ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ش. در قم چاپ و منتشر شده است.

برای ترجمه فارسی مکيال، راهنمای موضوعی، توسط محقق برجسته عبدالحسین طالعی تهیه شده، این راهنما در ۱۱۱ صفحه وزیری به سال ۱۳۸۰ ش. از سوی انتشارات مکيال در تهران منتشر شده است.

گزینش‌ها

به جهت حجم بزرگ کتاب مکيال المکارم و همت کوچک برخی از علاقمندان و بازار داغ این کتاب، شماری از ناشران به تلخیص و گزینش این اثر جاوید دست یازیده‌اید و در سهم خود خدمتی به نشر آن در میان اقشار مختلف نموده‌اند، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. آیین انتظار

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول، ۱۳۸۳ ش. ۲۴ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۲. تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول، ۱۳۸۵ ش. ۵۸۰ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۳. چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول، ۱۳۸۵ ش. ۱۱۴ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۴. زمان و مکان دعا برای حضرت مهدی علیه السلام

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول ۱۳۸۵ ش. ۱۱۴ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۵. شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول ۱۳۸۵ ش. ۷۲ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۶. نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول ۱۳۸۵ ش. ۳۵۱ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران

۷. ویژگیهای امام زمان

ترجمه، گزینش و ویرایش سید مهدی حائری قزوینی
چاپ اول ۱۳۸۵ ش. ۴۳۰ صفحه رقعی، مسجد مقدس جمکران
این عناوین هفتگانه توسط شخص مترجم گزینش و ویرایش شده
و از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است و اینک
دیگر گزینه‌ها:

۸. آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

ترجمه و گزینش احمد رنجبری حیدر باغی، ترجمه حرف کاف،

پیرامون شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران و امامان .
چاپ اول ۱۳۸۶ ش . انتشارات حضور، قم، ۱۴۴ صفحه رقعی

۹. الفبای محبت امام عصر علیه السلام

گزینش علی لباف، شامل ۳۴ ویژگی به ترتیب حروف الفباء
چاپ اول ۱۳۷۴ ش . انتشارات بدر، تهران، ۴۰ صفحه رقعی

۱۰. فرازهایی برگزیده از کتاب مکیال المکارم

گزینش انتشارات بدر، شامل چند فراز از ابواب هشتگانه، به
ترتیب ابواب کتاب .

چاپ اول، انتشارات بدر، تهران، ۳۱ صفحه پالتویی

از ولادت تا شهادت

سوانح زندگی، سیره، سلوک اخلاقی، تلاشهای علمی، زمینه‌های توفیقات ربّانی، خدمات اجتماعی، آراء و افکار، آثار پربار، نیاکان بزرگوار و خاندان سراسر افتخار مرحوم صاحب مکیال در این صفحات نمی‌گنجد، ولی از باب «المیسورُ لا یسقطُ بالمعسورِ» به گوشه‌ای از زندگانی این عالم ربّانی و فقیه صمدانی اشاره می‌کنیم:

طلیعة نور

خجسته زادروز مرحوم آیه‌الله سید محمدتقی موسوی را شب جمعه پنجم جمادی‌الاولی ۱۳۰۱ ق. ثبت کرده‌اند.^(۱) ولی همانگونه که علامه روضاتی یادآور شده‌اند آن تاریخ با شب جمعه تطابق نمی‌کند^(۲) بلکه همانگونه که «ووستفله» ثبت کرده با شب دوشنبه مطابقت دارد.^(۳)

۱. تهرانی، نقیاء البشر، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. روضاتی، آثار التقوی، مقدمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲.

۳. ووستفله فردیناند، تقویم تطبیقی، ص ۲۶۱، چاپ ۱۳۶۰ ش. تهران.

والد ماجد

پدر بزرگوارش مرحوم آیه‌الله سید عبدالرزاق موسوی، ملقب به: «افتخار الدین» و مکتبی به: «ابو عبدالله» از علمای معروف به اجتهاد و استقامت در دین، که در مسجد امامزاده اسماعیل اقامه جماعت می‌کرد. امامزاده اسماعیل فرزند زید بن حسن مثنی، از تبار امام حسن مجتبی و جد سادات طباطبایی می‌باشد.

مسجدی که در کنار این امامزاده قرار دارد به مسجد شُعَیْنا معروف است. گفته می‌شود این مسجد قدیمی‌ترین مسجد اصفهان می‌باشد و تاریخ بنای آن به عهد خلافت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام می‌رسد. (۱) شعیا از پیامبران بنی اسرائیل است که به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت عیسی علیه السلام بشارت داد، از دست بنی اسرائیل فرار کرد، چون او را یافتند با آره او را دو نیم کردند. (۲)

مرحوم سید عبدالرزاق موسوی، پدر صاحب مکیال در این مسجد اقامه جماعت می‌کرد.

فقیه احمدآبادی از پدرش به عنوان: عالم ربّانی، حَیْر صمدانی، جامع مرتبت علم و عمل، پیراسته از هر نقص، فقیه آل رسول و رئیس علمای فحول تعبیر می‌کند. (۳)

۱. غلامی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۳۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۵۴.

۳. روضاتی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰ (مقدمه).

این عالم ربّانی و فقیه صمدانی روز جمعه ۲۸ محرم ۱۳۱۹ ق. دار فانی را وداع گفت. (۱)

والده ماجده

مادر مکرمه ایشان که چنین شخصیت برجسته‌ای را در دامن خود پرورش داده، دختر میرزا حسین نایب الصدر، متوفای ۱۳۲۶ ق. از شاگردان مبرز شیخ انصاری و حاج ملاعلی کنی می‌باشد. صاحب مکیال نیای مادری‌اش را در خواب دیده و از او خواسته که درباره‌اش دعا کند و او در پاسخ گفته:

ما هرگز برای چیزی فراتر از امام زمان علیه السلام دعا نمی‌کنیم، آنچه برای ما پیش آید به آن حضرت عرضه می‌داریم، اگر اذن دهد و امضاء فرماید، ما دعا می‌کنیم تا آن امر اصلاح شود. (۲)

صاحب مکیال از ایشان به عنوان یکی از سادات صالح تعبیر کرده و جایگاهش را در آن سرای نیکو دیده است. (۳)

نیاکان

نسب شریف صاحب مکیال مطابق آنچه مرحوم مهدوی ثبت کرده

۱. همان.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. همان.

به شرح زیر است:

سید محمدتقی، بن سید عبدالرزاق، بن سید عبدالجواد، بن میرقاضی،
بن سید محمدنایب الصدر، بن میرمحمدتقی موسوی وزیر شاه صفی
(شاه سلیمان صفوی) و همسفر او در سفر مشهد مقدس.^(۱)

علامه روضاتی می نویسد:

مرحوم صاحب مکیال در خاندان علم و فضیلت که خلفاً عن
سلف به تقوا و پارسایی مشهور بودند پرورش یافت، در این
خاندان همواره مردان بزرگ و شخصیت‌های برجسته‌ای
بودند که در ادوار مختلف مورد احترام و مورد توجه مردم
بودند و مردم در مسائل دینی و امور مذهبی به آنها مراجعه
می‌کردند، این وجه علمی هنوز در این خاندان باقی
هست، که هنوز عالمان مشهوری در این خاندان هستند
که مُشَارٌ بِالْبَنَانِ هستند و امیدهای درخشان امت
اسلامی می‌باشند.^(۲)

از رجال برجسته این خاندان آیه‌الله سید محمدصادق خاتون‌آبادی،
متوفای ۱۳۴۸ ق. از مفاخر حوزه علمی اصفهان، که دانی صاحب
مکیال، فقیه نامدار، مفسر عالی‌مقدار و مدرس بزرگوار بود.

از دیگر رجال این خاندان سید میرزا اسدالله، استاد و پسر عمه
صاحب مکیال می‌باشد.

۱. مهدوی، اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲. روضاتی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰ (مقدمه).

همسر شایسته

یکی از عوامل مهم شکوفائی صاحب مکیال داشتن همسری صالحه، عابده، زاهده و قانع بود، که با وضع زندگی نامساعد او - از نظر مادی - می ساخت و خانه را برای ایشان محیطی آرام و مساعد با تلاش علمی و ساده زیستی نموده بود.

این بانوی مکرّمه اهل توسّل و استمداد از ارواح معصومین علیهم السلام بود و هر هفته عریضه‌ای به محضر مقدس حضرت بقیةالله ارواحنا فداه می نوشت و آن را به چشمه‌ای که از خیابان احمدآباد می گذشت و پلی بر فراز آن بود که «پل بلند» نامیده می شد، می انداخت.

یک وقت از دلش می گذرد که آیا این عریضه‌ها به دست حضرت می رسد؟ به دنبال آن مدتی عریضه نمی نویسد.

دخترش منصوره که همسر آیةالله موخّدا بطحی رحمته الله بود، در عالم رؤیا می بیند آقای بزرگواری در کنار آن چشمه و بر فراز آن پل ایستاده، می فرماید:

به مادرت بگو: چرا مدتی است برای من نامه نمی نویسد؟

ایشان به مادرشان می گویند: چرا مدتی است عریضه نمی نویسی؟

می پرسد: چطور؟

جریان خوابش را نقل می کند.

ایشان چهل سال پس از شهادت همسرشان به سال ۱۳۸۸ ق. به درود

حیات گفتند و در کنار مرقد مطهر صاحب مکیال به خاک سپرده شدند.

فرزندان

شماری از فرزندان ایشان در کودکی تلف می‌شوند، تنها دو پسر و دو دختر از ایشان برجای می‌ماند که عبارتند از:

۱. حاج آقا محمد فقیه

در سال ۱۳۳۸ ق. که مرحوم صاحب مکيال در مسیر عتبات بودند فرزند برومند ایشان حاج آقا محمد متولد می‌شود، چون قبلاً فرزندان ایشان تلف می‌شد، او را سید عبدالباقی نام می‌گذارند، ولی چون مصادف با ایام ولادت حضرت ختمی مرتبت بود، مادرش او را سید محمد می‌نامد. حاج آقا محمد به مدت ۱۰ سال از اواخر عمر شریف پدر رادرک کرده، مقدمات را در محضر پدر آموخته، عشق به خاندان عصمت و طهارت و سربازی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در مکتب او فراگرفت. وی بیشترین دوران تحصیل را در محضر مرحوم آیه‌الله سید مرتضی موحد ابطحی سپری کرده، از محضر مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد طبیب‌زاده نیز خوشه‌چینی نمود.

حاج آقا محمد فقیه بیش از ۲۰ بار به حج و عمره مشرف شده، در یکی از سفرها، در بین جحفه و مکه راه گم کرده‌اند، هر چه جستجو کردند، از پیدا کردن راه نومید گشته، اجباراً متوقف شده، به محضرت حضرت متوسل شدند، فریاد: «یا اباصالح المهدی ادرکنی» را در فضا طنین‌انداز نمودند، ناگهان دیدند که مرد سفیدپوشی نمایان شده، راه را به راننده نشان دادند.

در یکی از سفرهای عتبات، به محضر مرجع اعلاى جهان تشیع

مرحوم آیه الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسیدند، پس از اینکه متوجه شدند ایشان پسر صاحب مکیال هستند، عنایت ویژه نموده و مبلغی توسط مرحوم آیه الله میرجهانی برای ایشان ارسال نمودند.

در همین سفر به خدمت مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی نیز شرفیاب شده، مورد تکریم قرار گرفتند.

از حاج آقا محمد فقیه کتاب ارزشمندی پیرامون اعمال ماه رمضان به نام: «کنز المرام» چاپ شده و آثار دیگری آماده چاپ دارد. ایشان می فرمود:

در ایّامی که به تألیف این کتاب مشغول بودم شبی پدرم را در عالم رؤیا دیدم که به منزل مسکونی خود تشریف آوردند، این کتاب را که جلد نشده بود برداشتند و ورق زدند تا رسیدند به بحث قبولی اعمال که شرطش ولایت است، نکته‌ای را تذکر دادند و اشتباهی را اصلاح نمودند.

آقای فقیه هنگامی که بیدار می شوند آن مطلب را به یاد داشتند، کتاب را برمی دارند و آن مطلب را اصلاح می کنند.

آقای فقیه کتاب دیگری در ستایش تواضع و نکوهش کبر دارند که آن را «مفتاح الشرف» نام نهاده‌اند.

آقای فقیه رساله‌ای در شرح حال استادش مرحوم طیب زاده نوشته، که به پیوست کتاب «حور مقصورات» چاپ شده است.^(۱)

۱. حور مقصورات، ترجمه اعتقادات شیخ صدوق است که توسط مرحوم طیب زاده ترجمه

حاج آقا محمد فقیه در دانش، تقوا، ساده‌زیستی، تواضع، قریحه شعری و حسن خط آینه تمام‌نمای پدر بزرگوارش می‌باشد، اشعار فراوانی در مدایح و مرثی‌های خاندان عصمت و طهارت و پند و اندرز دارد که هنوز به چاپ نرسیده است.

۲. حاج آقا عباس فقیه

دومین فرزند ذکور ایشان حاج آقا عباس فقیه احمدآبادی، متولد ۱۳۴۲ ق. می‌باشد که اینک در عتبه ۹۰ سالگی و به دلیل کهولت و کسالت خانه‌نشین است.

ایشان خطیب برجسته، دانشمند فرزانه و از ائمه جماعت متدین و متقی اصفهان بودند.

۳. سیده منصوره

همسر مرحوم آیه‌الله سید مرتضی موحد ابطحی، بانویی پارسا، پاکدامن و فداکار، اهل توسل و استغاثه، مداومت بر زیارت عاشورا (۱۳۳۰-۱۴۰۷ ق.) هفت فرزند پسر و پنج فرزند دختر در دامن پر مهر خود پرورش داده که هر کدام آیتی در خدمت به خاندان عصمت و طهارت هستند.

۴. سیده

همسر مرحوم میرسید علی طالقانی

→ شده است. این کتاب به سال ۱۳۶۶ ق. با شرح حال مترجم به قلم حاج آقا محمد فقیه، در ۱۶۸ صفحه در اصفهان به چاپ رسیده است.

نوادگان

مرحوم علامه تهرانی در ضمن شرح حال صاحب مکیال از سبط گرامی ایشان نام برده می نویسد:

نواده فاضل و زبردست ایشان سید محمدعلی، فرزند سید مرتضی، فرزند میر محمدعلی موسوی ابطحی اصفهانی، متولد ۱۳۴۹ ق. مؤلف: نتیجه الفکر فی تنقیح رجال المعبر. (۱)

و اینک اشاره‌ای کوتاه به نواده‌های بزرگوار ایشان:

(۱) آیه الله سید محمدباقر موحد ابطحی

بنیانگذار مدرسه الامام المهدی در قم، صاحب تألیفات فراوان از جمله: معجم رجال الحدیث و ثقاته، در ۱۲ مجلد و خدمات فرهنگی و اجتماعی در قم، اصفهان و اقلید.

(۲) آیه الله سید محمدعلی موحد ابطحی رحمته

از مراجع تقلید و صاحب بیش از یکصد تألیف، از جمله «تهذیب المقال» که پنج مجلد آن به چاپ رسیده است.

(۳) حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی موحد ابطحی

از فضیله حوزة علمیه و دارای آثار چاپ شده پیرامون: آیه تطهیر، زیارت عاشورا، حدیث کساء، زندگانی قمر بنی هاشم و غیره.

(۴) حجة الاسلام والمسلمین سید محمدرضا موحد ابطحی

از فضیله حوزة و داماد مرحوم آية الله گلپایگانی رحمته

(۵) حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حجت موحد ابطحی

از اساتید حوزة علمیه اصفهان، صاحب تألیفات ارزشمندی چون: ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزة علمیه اصفهان در طول تاریخ، در سه مجلد، و تلاشهای طاقت‌فرسا در مناسبت‌ها، به ویژه در ایام فاطمیه و بسیج کردن کاروانهای تبلیغ به چهار گوشه کشور.

(۶) حجة الاسلام سید حسن موحد ابطحی

از خطبای ارجمند اصفهان.

(۷) حجة الاسلام سید حسین موحد ابطحی

از فضیله اصفهان.

قدر جامع و نقطه مشترک همه اخوان موحد ابطحی اخلاص و ارادت به خاندان عصمت و طهارت، تعظیم شعائر الهی، خیرخواهی برای همه، تواضع و فروتنی و سخت‌کوشی در خدمات اجتماعی می‌باشد، که همه اینها را از جد امجد خود به ارث برده‌اند.

اگرچه مرحوم آية الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی شخصیت برجسته و مستجمع فضائل اخلاقی فراوان بود، ولی مرحوم آیت حاج سید محمدعلی موحد ابطحی همواره می‌فرمود: من همه توفیقات را مرهون مادرم هستم. او نیز هر چه داشت طبعاً از انفاس قدسی پدر بزرگوارش صاحب مکیال داشت.

کتاب ارزشمندی تحت عنوان: درسها و داستانهایی آموزنده از زندگی «پدر و مادر نمونه» توسط فرزند بزرگوارشان حاج آقا حجّت منتشر شده است و چه عنوان زیبایی برگزیده‌اند، آری: «پدر و مادر نمونه».

اساتید

همه عمر شریف صاحب مکیال با تحصیل، تدریس، تحقیق، تألیف، تهذیب نفس، ترویج دین، تبلیغ آیین، خدمت به خلق و عبادت حق سپری شده است.

داشتن پدری آگاه، عالم و عامل موجب شد که ایشان از همان اوان کودکی به تحصیل علم و تکمیل کمالات پردازد. اگرچه او از اساتید بزرگی بهره جسته، ولی اولین استاد و معمار فکری اش پدرش:

۱. سید عبدالرزاق موسوی، متوفای ۲۸ محرم ۱۳۱۹ ق. بود، که مقدمات و قسمتی از سطوح را از محضر او آموخت.

دقت نظر پدر موجب شد که فرزندش در ادبیات سرآمد اقران باشد و در سنین کودکی صرف و نحو را فرا گرفته، تمرین نموده، تدریس کرده، دست به قلم برده شرح و حواشی بر کتب درسی بنویسد.

او علاوه بر پدر از پسر عمه‌اش که استاد ادبیات در حوزه کهن اصفهان بود، یعنی:

۲. سید اسدالله، صرف و نحو را در یک سطح محکم و استوار فراگرفت و خود به تدریس صرف و نحو پرداخت.

سومین استاد تأثیرگذارش در حوزه ادبیات، ادیب نامدار، شاعر پرآوازه:
 ۳. سید محمود کیشادی، در گذشته به سال ۱۳۲۴ ق. مشهور به سید
 مغنی گوی می باشد که مغنی و دیگر آثار ادبی را در محضر او فراگرفت.
 مرحوم صاحب مکیال خود را در ادبیات و امدار این استاد ادیب
 می دانست و در آثار علمی اش از او یاد کرده، آرای ادبی اش را مطرح
 نموده است.

«کیشاد» نام سه روستا در استان اصفهان می باشد:

(۱) روستایی سبز و خرم در کنار رودخانه زاینده رود، نرسیده به فلاورجان.
 (۲) روستایی آباد در ناحیه رودشت، در نزدیکی بندگلی، از بندهای
 مستحدثه زاینده رود.

(۳) روستایی در دهستان «آی دوغمیش» در پایین گردنه رخ، کنار
 جاده: اصفهان - شهرکرد.^(۱)

در مقدمه کتاب مکیال نام مرحوم کیشادی، اشتباهاً «گیشادی»
 تایپ شده است، این اشتباه به پایگاه های اینترنتی نیز راه یافته است.
 گفته می شود که واژه: «کیشاد» از دو جزء: «کلی» به معنای: سود،
 سودبخش و سودآور؛ و «آد» به معنای آب، ترکیب یافته و «ش» حرف
 هموند، برای سهولت تلفظ به آن افزوده شده و معنای «کیشاد» یعنی:
 جایی که به آسانی به آب سودآور دسترسی هست و در واقع با «سودابه»
 مترادف خواهد شد.^(۲)

۱. مهربار، فرهنگ جامع نامها و آبادی های اصفهان، ص ۶۳۱.

۲. همان، ص ۶۳۴.

چهارمین و مهم‌ترین استاد صاحب مکیال:

۴. آیه‌الله سید ابوالقاسم دهکردی^(۱) مرجع زمان و فقیه دوران (۱۲۷۲-۱۳۵۳ ق.) می‌باشد، که از شاگردان میرزای شیرازی و حلقهٔ وصل صاحب مکیال به مکتب سامرا بود.

فقیه احمدآبادی سالیان متمادی ملازم درس خارج فقه و اصول این فقیه نامدار بود و در محضر او به مقام والای اجتهاد رسید و از او به دریافت اجازهٔ اجتهاد نایل آمد، که ترجمهٔ اجازه‌نامه‌اش را قبلاً آوردیم.

پنجمین استاد صاحب مکیال مرجع والامقام مقتدای انام:

۵. آیه‌الله شیخ عبدالکریم گزی (ح ۱۲۶۰-۱۳۳۹ ق.) از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی، صاحب تألیفات فراوان، از جمله «تذکره القبور» در تعیین قبور علمای مدفون در تخت فولاد اصفهان، که صاحب مکیال پس از دهکردی بیشترین استفاده را از محضر ایشان نموده و به دریافت اجازهٔ روایتی از ایشان نایل آمده است.

ایشان علاوه بر تدریس فقه و اصول در رسیدگی به مشکلات مردم و حلّ خصومات، مرجع مرافعات و مراجعات مردم، نافذ الکلمه، از مفاخر حوزه و چهرهٔ ماندگار تشیع بود.

از دیگر اساتید صاحب مکیال:

۶. آیه‌الله حاج آقا منیرالدین بروجردی اصفهانی (متوفای ۱۳۴۲ ق.) از شاگردان میرزای شیرازی و دومین حلقهٔ اتصال صاحب مکیال به مکتب سامرا.

۱. دهکرد همان شهرکرد فعلی است.

حاج آقا منیر متصدی فتوا، تدریس، صاحب نفوذ و مورد احترام خاص و عام بود.

فقیه احمدآبادی از خرمن علمی ایشان در فقه و اصول خوشه چینی نموده، از مقامات معنوی و ارادت خاص ایشان به ساحت قدس مهدوی بهره‌ها برده است.

۷. آیه‌الله حاج میرزا بدیع درب امامی (ح ۱۲۵۱-۱۳۱۸ ق.) در فقه،

اصول و ادبیات بسیار قوی بود، لمعه، قوانین، رسائل و مکاسب را به خوبی تدریس می‌کرد.

صاحب مکیال سطوح عالیه را در محضر ایشان آموخت.

۸. آیه‌الله حاج میر صادق خاتون آبادی (۱۲۹۰-۱۳۴۸ ق.) دانی

صاحب مکیال، از شاگردان مبرز آخوند خراسانی، از مفاخر حوزه علمیه اصفهان و استاد تفسیر صاحب مکیال، که در آثار تألیفی خود نکات تفسیری را از ایشان نقل می‌کند.

۹. آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم نامدار و یگانه روزگار

(۱۲۵۰-۱۳۳۳ ق.) مشهور به آخوند کاشی، که صاحب مکیال شماری از متون حکمت را در محضر وی آموخت.

ایشان در افواه مردم به کشف و کرامت مشهور بود و قبرش در تخت فولاد مورد توجه همگان می‌باشد.

۱۰. جهانگیرخان قشقایی (۱۲۴۳-۱۳۲۸ ق.) از اساتید مرحوم آیه‌الله

بروجردی رحمته . مرحوم صاحب مکیال شرح لمعه را در محضر این حکیم الهی و فقیه صمدانی آموخت.

۱۱. آیه الله آخوند ملا محمدحسین فشارکی (۱۲۶۶ - ۱۳۵۳ ق.) از شاگردان میرزای شیرازی، یکی دیگر از حلقه‌های اتصال صاحب مکیال به مکتب سامرا.

مرحوم فشارکی با تصدی مرجعیت، صدور فتوا، تدریس در حوزه علمیة اصفهان، به تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدوی از طریق منبر اهتمام ویژه داشت.

وی علاوه بر مساجد و مدارس اصفهان در مصالای تخت فولاد منبر می‌رفت و در شبهای قدر احیاء می‌گرفت و به این وسیله با همه طبقات مرتبط بود و فرهنگ انتظار را در سطح وسیعی گسترش داد.

صاحب مکیال علاوه بر حضور در حوزه درسی ایشان، از مکارم اخلاقی و معارف مهدوی و مقامات معنوی ایشان بهره‌ها برد.

۱۲. آیه الله سید محمدباقر درچه‌ای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ق.) از شاگردان میرزای شیرازی و یکی دیگر از حلقه‌های اتصال صاحب مکیال به مکتب سامرا.

آیه الله درچه‌ای از اساتید مرحوم آیه الله بروجردی رحمته‌الله و از مراجع عالیقدر اصفهان و حومه بود و شاگردان زیادی تربیت نمود، که از آن جمله است صاحب مکیال.

از آنچه تقدیم شد روشن گردید که صاحب مکیال توسط چهار تن از اساتید خود به مکتب سامرا می‌پیوندد:

(۱) آیه الله سید محمدباقر درچه‌ای، متوفای ۱۳۴۲ ق.

(۲) آیه الله حاج آقا منیرالدین بروجردی، متوفای ۱۳۴۲ ق.

(۳) آیه الله ملا محمد حسین فشارکی، متوفای ۱۳۵۳ ق.

(۴) آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی، متوفای ۱۳۵۳ ق.

شاگردان

تعداد زیادی از طلاب حوزه علمیه کهن سال اصفهان در حوزه درسی صاحب مکیال حضور یافته، از خرمین علمی ایشان خوشه چینی نموده، آموزه های عقیدتی مکتب سامرا را که توسط چهارتن از تربیت یافتگان آیه الله میرزای شیرازی به ایشان منتقل شده بود، از ایشان آموختند و اینک اسامی شماری از آنها:

۱. آیه الله بروجردی

نام نامی و یاد گرامی مرجع اعلاى جهان تشیع حضرت آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق.) که بر عظمت و قداست مرجعیت افزوده، زینت بخش لیست شاگردان صاحب مکیال است، که در ایام تحصیل در حوزه اصفهان در حوزه درسی ایشان حضور یافته و برای این استاد عالیمقدار همواره حریم نگه می داشت.

۲. آیه الله ابطحی

مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی (۱۳۱۹ - ۱۴۱۳ ق.) که بعدها افتخار دامادی صاحب مکیال را پیدا کرد، سالیان متمادی از محضر آن مرد بزرگ کسب دانش کرده، فضایل اخلاقی و کمالات انسانی آموخته

و بعد از شهادت استاد پرورش آقازادگان ایشان را برعهده گرفت .
آیه الله ابطحی هفت فرزند فاضل و دانشمند تربیت کرده ، همه را به
آستان مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تقدیم نموده ، برخی از
آنها به مقام مرجعیت نایل شده ، بقیه نیز چون سربازی جانباز از مکتب
پر بار مهدوی حمایت نموده اند .

۳. حجة الاسلام یزدی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد یزدی ، متوفای
صفر ۱۳۷۹ ق .

۴. حجة الاسلام محمدی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مصطفی موحد محمدی ،
متوفای ۲۲ شعبان ۱۳۹۶ ق .

۵. حجة الاسلام منیر صادقی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقامیرزا منیر صادقی ، متوفای
۹ شعبان ۱۴۰۵ ق .

۶. مرحوم عمادزاده

نویسنده نام آور مرحوم حسین عمادزاده (۱۳۲۵ - ۱۴۱۰ ق .) صاحب
آثار ارزشمند فراوان ، که شرح حال صاحب مکیال را نیز نوشته ، به
پیوست کتاب « وظیفه الانام » چاپ شده است .

صاحبان اجازه

صاحب مکیال از دو تن از اساتیدش اجازه روایتی داشت:

۱. مرحوم آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی، در ضمن اجازه اجتهاد

۲. مرحوم آیه الله شیخ عبدالکریم گزی

عده‌ای نیز از ایشان اجازه روایتی دریافت کرده‌اند، که از آن جمله است:

مرحوم میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ق.)

صاحب آثار پربار.

علامه بزرگوار آیه الله حاج سید محمدعلی روضاتی در ضمن شرح

حال صاحب مکیال می‌نویسد:

برای دوست ما استاد محقق مرحوم معلم حبیب‌آبادی، در دو

کتابش: «وظیفه الأنام» و «نور الأبصار» اجازه روایتی

نوشته و ما به وسیله استاد از ایشان روایت می‌کنیم.^(۱)

همراه، همراز و همگام

مرحوم صاحب مکیال با عده‌ای از علمای بزرگ معاصر خود

معاشرت داشت، در جلسات انس، حلقه‌های یاد مولا، مجالس دعا

برای فرج آقا و محافل علمی، مجالست و مؤانست داشتند، ولی در این

میان با یکی از آنها همراز و همگام بودند، حتی عقد اخوت و برادری

بسته بودند و او نبود جز:

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲ (مقدمه).

حضرت آیه الله شیخ محمدباقر فقیه ایمانی رحمته

ارتباط خاص، بستگی و هم پیوستگی با ایشان دلایلی داشت، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. همدلی

هر دو چون سربازی جانباز در خدمت مولا و مقتدا ایشان حضرت صاحب الزمان علیه السلام دست از پا نمی شناختند، در دنیا چیزی جز کسب رضایت مولا بر ایشان ارزشی نداشت.

۲. همگامی

هر دو تداوم بخش نهضت سامرا بودند، هر دو به مکتب سامرا وابسته بودند، هر دو توسط اساتید بزرگوارشان به مکتب میرزای شیرازی گره خورده بودند:

- ۱) صاحب مکیال توسط چهار تن از اساتید خود که شرح آن گذشت.
- ۲) فقیه ایمانی نیز توسط استاد گرانسنگ خود: مرحوم آیه الله حاج آقا منیرالدین بروجردی (متوفای ۱۳۴۲ ق.) از شاگردان برجسته میرزای شیرازی با مکتب سامرا ارتباط پیدا می کند، به ویژه که مرحوم فقیه ایمانی بعدها افتخار دامادی استادش را پیدا کرد و در مکتب استاد تربیت ویژه یافت، عشق بیکران و سوز هجران حضرت صاحب الزمان که در دل استاد زبانه می زد به شاگرد و دامادش منتقل گردید.

۳. سروش غیبی

مهم‌تر از همه یک سروش غیبی فقیه ایمانی را با فقیه احمدآبادی ارتباط می‌دهد که شرح آن را از زبان حاج آقا محمد فقیه می‌آوریم:

آیه‌الله حاج آقا محمد فقیه، فرزند برومند صاحب مکیال می‌فرماید:

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمدباقر فقیه ایمانی به ائمه هدی علیهم‌السلام متوسل می‌شود و از خدا می‌خواهد که با کسی آشنا شود که او را از نظر معنوی ارتقاء دهد، شب در عالم رؤیا کسی را می‌بیند که به صاحب مکیال اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«التَّقِيُّ الْمُتَّقِي»

از آن روز فقیه ایمانی با فقیه احمدآبادی انس گرفته، به یکدیگر علاقه پیدا می‌کنند، یکدل و یک جهت در راه تعظیم شعائر اسلامی، ترویج فرهنگ مهدوی و تعمیم فرهنگ انتظار تلاش می‌کنند.

و اینک اشاره‌ای کوتاه به زندگی سراسر افتخار فقیه ایمانی:

آیه‌الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، فرزند حسینعلی تهرانی، از علمای برجسته و شخصیت‌های جلیل‌القدر اصفهان، در حدود سال ۱۲۹۰ ق. در اصفهان دیده به جهان گشوده، از محضر اساتیدی چون:

(۱) سید محمود کلشادی

(۲) آخوند کاشی

(۳) آیه‌الله بروجردی (در ایام اقامتشان در اصفهان)

(۴) ملا عبدالکریم گزی

(۵) حاج آقا منیرالدین بروجردی

(۶) شیخ عبدالحسین محلاتی

کسب فضیلت نموده، به مقام اجتهاد نایل شده، با دختر استادش حاج آقا منیرالدین ازدواج می‌کند، در مسجد امامزاده اسماعیل به اقامه جماعت، ترویج شرع نبوی و تعمیم فرهنگ مهدوی می‌پردازد.

تألیفات فقیه ایمانی در حوزه مهدویت

از مرحوم آیه‌الله فقیه ایمانی قریب ۹۰ جلد اثر ارزشمند برجای مانده که در حدود یک سوم آن به حوزه مهدویت اختصاص دارد که عناوین آنها به شرح زیر است:

۱. انیس المحجّة - در کیفیت رجعت - به فارسی
۲. بشارات الالهية الى الدولة القائمة - به عربی
۳. التحفة السنية في نصره القائم في البلية - به عربی
۴. التحفة القائمة، در سند و شرح زیارت ناحیه مقدسه - به فارسی
۵. تحلة المعما، در شرح حدیث: «و اما الانتفاع بی» - به نظم
۶. تذكرة الحجّة لتبصرة اهل المحجّة، شرح ازمنه و امکانه متعلق

به حضرت

۷. تکملة الايمان بمعرفة صاحب الزمان - به فارسی
۸. حقّة الدرر، شرح وقایع عصر ظهور - به فارسی
۹. الخصائص المهدویة، شامل ۴۰ خصیصه - شعر - به عربی
۱۰. الدرّة البهیة فی التسمية المهدیة - شعر - به عربی

۱۱. سماء الجود، شرح کیفیت بهره‌وری از مهدی موعود و جهت تشبیه به خورشید پشت ابر
۱۲. سوز هجران، اشعار فارسی
۱۳. الصراط المستقیم الی جنّة النعیم، استدراک از کتاب «مفتاح الرحمة»
۱۴. طالع مسعود، شرح احادیث وارده در شب و روز میلاد قبله موعود
۱۵. عین الأنها، اشعار عربی در ذیل کتاب «مطلع الانوار»
۱۶. الغرّة المضيئة، شرح عربی کتاب: «الدرّة البهیة»
۱۷. فتوحات مهدیه، عنایات حضرت مهدی به شیعیان در عصر غیبت - به فارسی
۱۸. الفرج الممدّد بوجود قائم آل محمد صلوات الله علیه
۱۹. فكّ رقبه، شرح وظائف اهل ایمان در برابر صاحب الزّمان علیه السلام
۲۰. الفوائد المهدیة، سیره حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور - به عربی
۲۱. الفواتح المهدیة الی السّعادة الابدیة
۲۲. لواء الانتصار، که تحت عنوان: شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم السلام چاپ شده
۲۳. مرآة الأنام فی التحقيق عن علم الامام، در گستره دانش بیکران حضرت مهدی علیه السلام
۲۴. مطلع الأنوار فی ذکر الغائب عن الأبصار
۲۵. معراج الايمان فیما يتعلق بصاحب الزمان علیه السلام
۲۶. مفتاح الرحمة، در عهد غیبت حضرت حجت
۲۷. الوسائل المهدیة، در فضیلت یاری و نصرت حضرت مهدی علیه السلام

۲۸. الهدية المهدوية، ديوان شعر. (۱)

با نگاهی گذرا به عناوین یاد شده، عشق سوزان، سوز و گداز و دغدغه خاص آن عالم ربانی و فقیه صمدانی به روشنی اثبات می‌گردد. این عالم بزرگ، محقق سترک، همراه، همراز و همگام صاحب مکیال، سراسر عمر با برکت خود را با زهد، تقوا، ارشاد، هدایت، تحصیل، تحقیق، تدریس، تألیف، تهجد، خدمت به خلق و عبادت حق سپری کرده، در شب جمعه ۲۰ ذی‌قعدة الحرام ۱۳۷۱ ق. در عتبه ۸۰ سالگی روح بلندش به سوی ملکوت پر کشید و جسم نحیفش در یکی از غرفه‌های تکیه کازرونی تخت فولاد مأواگزید. (۲)

علاوه بر آثار یاد شده از ایشان فرزندی برجای مانده که از حسنات دهر و از تلاشگران در عرصه امام عصر علیه السلام و تداوم بخش راه پدر می‌باشد و او شهید زنده، آیه‌الله حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی می‌باشد.

پیش‌تاز پیشگام

پس از بحثی کوتاه پیرامون دو فقیه همراز و همگام: (۱) صاحب مکیال فقیه احمدآبادی؛ (۲) صاحب این همه آثار فقیه ایمانی، لازم دیدم اشاره‌ای کوتاه به آغازگر راه، پیش‌تاز و پیشگام در عرصه مهدویت، بنیانگذار مکتب سامرا، مرجع اعلائی جهان تشیع مرحوم آیه‌الله میرزا محمدحسن شیرازی،

۱. کتاب شناختی این آثار را در کتاب: «کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام» در ذیل عناوین فوق ملاحظه فرمایید.

۲. مهدوی، اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۹۲.

مشهور به: «میرزای شیرازی» که همه تلاشهای مهم در عرصه مهدویت در یک قرن اخیر به ابتکار آن مرجع بزرگوار می‌باشد.

او شاگردانی چون محدث نوری و شیخ فضل‌الله نوری پرورش داد و شخصاً قلم به دست آنها داد، به آنها فرمان تألیف در عرصه مهدویت داد، تشویق کرد، تقدیر نمود و آنها آثار جاوید در این حوزه پدید آوردند.

برخی از شاگردان ایشان نیز که اهل قلم نبودند، اهل نفس بودند و از دم مسیحایی آنها افرادی چون صاحب مکیال و مرحوم فقیه ایمانی تربیت شدند و آنها آثار ماندگار از خود به یادگار نهادند.

میرزای شیرازی در یک نگاه

در مورد شرح زندگانی میرزای شیرازی آثار ارزشمندی نوشته شده، که تعداد یکصد عنوان از آنها در کتابنامه میرزای شیرازی معرفی شده است.

علامه بی‌بدیل آیه‌الله شیخ محمدعلی اردوبادی علاوه بر کتاب «حیة الامام المجدد الشیرازی» کتاب دیگری به نام: «سبائک التبر» نوشته که در آن چکامه‌ها و سوکنامه‌هایی که در سوک میرزای شیرازی سروده شده، در ۶۰۰ صفحه گرد آورده است.

حجت تاریخ علامه تهرانی نیز کتاب ارزشمندی به نام: «هدیة الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» در همین رابطه تألیف کرده است.

میرزا به سال ۱۲۳۰ ق. در شیراز متولد شده، از چهار سالگی به مکتب، در شش سالگی به حوزه، در ۱۲ سالگی به شرح لمعه و در ۱۵ سالگی به تدریس شرح لمعه پرداخت.

در ۱۸ سالگی یکی از مدرسین شیراز به او گفت: دیگر در شیراز کسی که تو از او بهره بجویی نیست، باید به دارالعلم اصفهان بروی، او نیز رهسپار اصفهان شده، در مدرسه صدر حجره گرفت و به خوشه‌چینی از محضر اساتیدی چون: شیخ محمدتقی صاحب حاشیه بر معالم؛ سید محمدباقر صاحب مطالع و حاجی کرباسی صاحب الاشارات پرداخت.

ده سال بعد به عتبات عالیات مشرف شده، در کربلا از محضر صاحب ضوابط، در نجف از محضر صاحب جواهر بهره‌ها برده، به عالیترین قله اجتهاد رسیده، شاگردان زیادی تربیت نموده، پس از شیخ انصاری به مرجعیت عامه رسید.

پس از سپری شدن ده سال از مرجعیت میرزا، در شعبان ۱۲۹۱ ق. به سامرا مشرف شده، مکتب سامرا را بنیاد نهاد.

با درگذشت دیگر مراجع، مرجعیت شیعه به میرزا اختصاص یافت و او تنها مرجع جهان تشیع شد، که پیش از ایشان چنین اتفافی برای هیچ مرجعی پیش نیامده بود.

داستان فتوای مشهور تنباکو یکی از نشانه‌های قدرت فوق‌العاده و نفوذ کلمه بی‌نظیر میرزا بود.

سرانجام در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ ق. درخشنده‌ترین ستاره آسمان فقاہت افول کرد و جهان تشیع در فقدان این مرجع بزرگ به سوک نشست.

پرورش‌یافتگان مکتب سامرا گذشته از دقت نظر در حوزه فقاہت،

همگی از حامیان بزرگ عقیدتی، مدافعان سرسخت اهل بیت، مروّجان فرهنگ مهدوی بودند، که صاحب مکیال و آیه الله فقیه ایمانی، دو باریکه از این رود عظیم و کوثر جاری مکتب سامرا بودند.

در سنگر محراب

جد اعلای صاحب مکیال: مرحوم میرزا محمدتقی احمدآبادی، وزیر شاه صفی (جلوس: ۱۰۳۸ - ۱۰۴۹ ق.) و همسفر ایشان در سفر مشهد مقدس، بر مسجد، مدرسه و امامزاده اسماعیل اشراف و نظارت داشتند و نیاکان صاحب مکیال در طول سه سده از مسجد امامزاده اسماعیل، که به مسجد شعیان نبی معروف بود، به عنوان: سنگر تبلیغ، ترویج، ارشاد، هدایت، اقامه نماز جماعت، منبر و موعظه استفاده نموده، بر هر سه مجموعه: امامزاده، مسجد شعیان و مدرسه امامزاده نظارت نمودند.

سید عبدالرزاق موسوی، پدر صاحب مکیال در آنجا اقامه نماز می کرد، منبر می رفت، به ارشاد مردم می پرداخت و در مدرسه امامزاده کرسی تدریس داشت.

پس از ارتحال پدر، مرحوم صاحب مکیال را که بیش از ۱۸ بهار از عمر شریفش نگذشته بود، به جای پدر نصب کردند، او نیز در آن مسجد اقامه نماز کرده، هفته ای دو شب منبر می رفت و مردم را با فرهنگ مهدوی آشنا می کرد.

بر کرسی تدریس

امامزاده اسماعیل، مسجد شعیبا و مدرسه امامزاده در محله «گلبهار» اصفهان قرار دارد، بنیاد مدرسه به نیمه قرن اول، دوران خلافت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام و ساختمان امامزاده به عهد سلجوقیان، صحن امامزاده به دوره آل مظفر - قرن هشتم - و حجرات مدرسه به عهد صفویان برمی گردد.

مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ق.) در ایام اقامتش در اصفهان در مدرسه امامزاده اسماعیل اقامت داشتند.

مرحوم سید محمود کیشادی (م: ۱۳۲۴ ق.) در همین مدرسه تدریس می کرد و صاحب مکیال در همین مدرسه کتاب مغنی را از محضر او آموخت.

آنگاه صاحب مکیال نیز در همین مدرسه به تدریس پرداخت و شاگردان زیادی را در همین مدرسه از اندوخته های علمی خود بهره مند ساخت.

در حریم حرم

امامزاده اسماعیل در محله گلبهار اصفهان، که اینک در حاشیه خیابان هاتف قرار دارد، یکی از امامزاده های معتبر اصفهان می باشد.

آیه الله سید محمد هاشم چهارسوقی (۱۲۳۵-۱۳۱۸ ق.) برادر صاحب روضات، در کتاب ارزشمند: «میزان الأنساب» که آن را پیرامون

امامزاده‌های اصفهان تألیف نموده، چهار امامزاده را در اوج اعتبار دانسته، که یکی از آنها امامزاده اسماعیل می‌باشد. (۱)

صاحب مکیال و نیاکانش در همین منطقه و در حریم حرم آن بزرگوار زندگی می‌کردند، اقامه جماعت، کرسی تدریس، وعظ و خطابه و دیگر خدمات فرهنگی، اجتماعی را داشتند.

از صاحب مکیال بیاموزیم

آیه‌الله سید محمدتقی موسوی احمدآبادی رحمته‌الله علیه جامع فضایل اخلاقی، صفات برجسته انسانی، شیوه‌های پسندیده سلوکی و دیگر ویژگیهایی است که باید برای ما سرمشق باشد و ما این صفات برجسته را از مکتب او بیاموزیم و اینک به شماری از این فضایل به صورت فشرده اشاره می‌کنیم:

۱. بی‌اعتنایی به دنیا

آیه‌الله روضاتی در شرح سیره ایشان می‌نویسد:

یکی از مهم‌ترین نقاط عطفی که در زندگی او جلب توجه می‌کند، بی‌رغبتی او به زرق و برق دنیا بود. او هرگز به دنیا اعتنا نکرد، به اندک قانع بود و جمله معروف امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود:

عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَذَلَّ مَنْ طَمَعَ؛

هرکس قناعت ورزید عزیز شد و هرکس طمع ورزید زبون گردید؛

الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَفْنَى؛

قناعت گنجی است که پایان ندارد.

را نصب العین خود قرار داده بود.

در امور مالی به اندک قانع بود، از مردم روی برمی تافت و فقط به تحصیل کمالات می پرداخت.

او هرگز به دنبال جاه و جلال نبود و هرگز به جمع مال اهتمام نورزید. در سنین کوتاه عمرش آثار پربها و فرزندان شایسته‌ای برجای نهاد، که بهترین اندوخته‌ها و برترین میراث‌ها می باشد.

فرزندان و نوادگانش همواره از برکات انفاس قدسی اش برخوردار بوده و همه حلیف تقوا و صداقت هستند.

او دنیا و آخرتش را با محبت اهل بیت آباد کرد و همه اندوخته‌هایش را برای آن سرای اندوخت. (۱)

۲. سلوک اخلاقی با عائله

فرزند برومندشان در مورد سلوک اخلاقی ایشان می فرماید:
ایشان با همه اعضای خانواده حسن سلوک داشت، با همگان رفتار نیکو داشت، حتی با حیوانات، مثلاً وقتی که گربه می آمد در ظرف مخصوصی برای آن غذا می کشید و به جلو آن می گذاشت تا بخورد و سیر شود، با مرغ خانگی نیز چنین رفتاری داشت.

۱. روضاتی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۳ (مقدمه).

ایشان واقعاً انسان بود، به تزکیه نفس و تهذیب اخلاق دقت داشت. این‌ها تصنعی نبود، بلکه ساختارش همین بود، با افراد خانواده نیز چنین رفتار می‌کرد.

۳. پرهیز از سهم امام علیه السلام

به ندرت در میان مراجع بزرگ تقلید داشتیم که شهریه عمومی برای حوزویان داشت، ولی برای مصارف شخصی خود هرگز از سهم امام استفاده نمی‌کرد.

در حدود ۵۵ سال پیش در محضر مرحوم آیه الله علی زاده در تبریز تلمذ می‌کردیم، ایشان نمونه‌های چاپی از چاپخانه می‌گرفت و با تصحیح آن امرار معاش می‌کرد، بعدها نماینده مراجع بزرگ تقلید شد، شهریه شماری از مراجع توسط ایشان پرداخت می‌شد، ولی هرگز از وجوهات شرعی استفاده نمی‌کرد، تا چند ماه قبل به رحمت ایزدی پیوست.

یکی از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم که برخی از شاگردانش صاحب رساله هستند، هرگز از سهم امام استفاده نمی‌کرد و با عسر و حرج زندگی‌اش را سپری می‌کرد.

مرحوم صاحب مکیال نیز هرگز از سهم استفاده نمی‌کرد، و اگر ضرورت ایجاب می‌کرد، اگرچه خود فقیه جامع الشرائط بود، از فقیه دیگری چون آیه الله گزی اجازه تحصیل می‌کرد و گاهی با آن ضیق وقت و تراکم کاری مجبور می‌شد نماز و روزه استیجاری بگیرد.^(۱)

۱. به نقل فرزندشان حاج آقا محمد فقیه در مصاحبه با آقای میرسراجی.

تنها کسانی که این راه را تجربه کرده‌اند، از برکات پرهیز از سهم مبارک امام علیه السلام آگاهی دارند.

۴. توجه به تربیت فرزندان

معمولاً شخصیت‌های بزرگ، صاحبان مناصب دولتی، افراد تأثیرگذار در جامعه، به دلیل اشتغال به امور جامعه، از تربیت فرزندان خود غافل می‌شوند و از این جهت فرزندان برخی از رجال دینی را مشاهده می‌کنیم که منحرف و یا محروم از معلومات بالا می‌شوند.

وجود مقدس مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در شب بیست و یکم ماه رمضان، پس از وصایای مهمی که به فرزندان، خاندان و شیعیان فرمودند، یک وصیت ویژه به امام حسن مجتبی علیه السلام نمودند به این مضمون:

پسرم! فرامردم با تو بیعت می‌کنند، مشکلات جامعه اسلامی بر دوش تو سنگینی می‌کند.
فراموش نکن که اعضای خانواده‌ات نیز بخشی از این جامعه هستند.

صاحب مکیال به این وصیت مولا گوش جان سپرده بود و همواره در تربیت فرزندانش کوشا بود.

دو فرزند دل‌بند خود حاج آقا محمد و حاج آقا عباس را که در سنین کودکی بودند با خود به مسجد می‌برد، در طول راه قرآن تلاوت می‌کردند و ایشان گوش می‌داد، در مسجد نیز در دو طرف منبر می‌نشستند و به سخنان ایشان گوش می‌دادند.

به هنگام شهادت صاحب مکیال فرزندش آقا سید عباس ۶ ساله بود، در آن سن پایین مرحوم صاحب مکیال اشعاری در مصائب حضرت سیدالشهدا به ایشان می داد و امر می کرد که آن را بخواند و برای اینکه او خجالت نکشد، خود در اطاق دیگر می نشست و گوش می داد و گریه می کرد.

مرحوم صاحب مکیال خوشنویس بود و خط زیبایی داشت، به فرزندانش مشق می داد و آنها را به تمرین خوشنویسی وامی داشت.

۵. ارادت ویژه به حضرت

ارادت به حضرت با گوشت و پوست او آمیخته بود، از دوران نوجوانی درد هجران را چشیده بود و از اعماق دل به مولا عشق می ورزید و در هجر حضرت اشک می ریخت.

ایشان در مورد دعایی که در مکارم الاخلاق هست، از نوجوانی مداومت داشت، که امام صادق علیه السلام در مورد این دعا می فرماید:

هر کس این دعا را پس از هر نماز فریضه بخواند و بر آن مداومت کند، از عمر طولانی برخوردار می شود و به ملاقات حضرت صاحب الامر مشرف می شود.

ایشان از اول بلوغ به آن مداومت داشت.

برخی می آمدند و این دعا را از ایشان طلب می کردند، ایشان می فرمود: فقط خواندن دعا کافی نیست، بلکه باید شرایط و لوازم آن نیز رعایت شود.

ایشان حالات خاصی داشت، روزهای جمعه وارد اطاق می‌شد و می‌فرمود: کسی به این اطاق نیاید.
آنجا با مولای خود راز دل می‌گفت، در فراق مولا می‌سوخت و برای فرج مولا دعا می‌کرد.

۶. دعا برای فرج

ایشان دعا برای فرج را واجب عینی و وظیفه هر فرد مسلمان می‌دانست. در این رابطه نکته ظریفی را از امام حسن مجتبی علیه السلام در مکیال نقل فرموده‌اند:

آنچه در اینجا شایسته است گفته شود و مؤید مطالب ما هست چیزی است که برادر ایمانی ما که مؤید به تأییدات سبحانی است، یعنی: آغامیرزا محمدباقر اصفهانی (فقیه ایمانی) که خداوند بر علو او بیفزاید و آنچه در این ایام می‌خواهد به او عطا فرماید، گفت:

شبی از این شبها امام همام، مولای انام، بدر تمام، حجت خدا بر آنچه بر فراز این زمین است، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را در عالم رؤیا دیدم، پس چیزی به این مضمون فرمودند:

بر فراز منبرها مردم را وادار به توبه کنید و آنها را فرمان بدهید که برای فرج حضرت حجت علیه السلام دعا کنند و تعجیل در ظهور آن حضرت را از خداوند بخواهند.

این دعا مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد، و با انجام دادن یک عده از دیگران ساقط شود، بلکه همانند

نمازهای یومیّه است، که بر هر فردی از افراد مکلفین واجب است که آن را انجام دهند. (۱)

۷. عنایات ویژه

در برابر این ارادت ویژه، آن حضرت نیز به ایشان عنایت ویژه داشتند، تشرّفات داشتند، که عمدتاً در خواب بوده است.

حاج آقا محمد فقیه می فرماید: در حدود ۵ سال پیش از شهادت پدر ما، که من حدوداً ۵ ساله بودم، در یکی از شبهای ماه رمضان به هنگام سحر خانه نورانی شد.

آن زمان برق نبود، این نور هم نور چراغ نبود، اطاق طوری نورانی شد که از شکاف در نور به بیرون می زد.

حال ایشان منقلب شد، در حال توجه و تضرّع قرار گرفتند.

من به مقتضای سنّ چیزی بیش از این متوجه نشدم، ولی ظاهراً این تشرّف در بیداری حاصل شده بود.

ایشان در مکیال می نویسند: «برای ما حوادثی اتفاق افتاده که برای اخیار و ابرار نیز واقع شده است».

این تعبیر را دیگران حمل بر تشرّف نموده اند.

۸. آثار این عنایت

قدم به قدم در رفتار و گفتار و کردار ایشان آثار این عنایت ویژه مشخص

است. فی المثل ایشان در باب هشتم «ابواب الجنّات» ۸۰ وظیفه بر شیعیان در رابطه با امام عصر علیه السلام بیان فرموده است، که در هیچ کتابی سابقه ندارد. اهل تحقیق می دانند که چنین مطالبی از مغز یک انسان بدون عنایت ربّانی نشأت نمی گیرد.

راقم سطور گوید: اینجانب به هنگام تحقیق کتاب «الخصائص الحسینیّة» دقیقاً به این نکته توجه داشتم که آوردن این همه اشتباه و نظایر چگونه ممکن است که از یک مغز تراوش کند؟ ولی هنگامی که رؤیای صادقۀ آیه الله شوشتری و تفضّل حضرت سیدالشهداء علیه السلام را به ایشان خواندم به راز و رمز این توفیق پی بردم. در مورد کتاب مکیال نیز همانگونه که فرزند ایشان فرموده، تراوش این همه حقایق از یک انسان بسیار جای شگفت است، جز کسی که فرمان: «بنویس» از حجّت خدا دریافت کرده باشد.

۹. تنبّهات

صاحب مکیال در آثار خود تنبّهات جالبی دارد، مثلاً حدیث شریف:

مِنْ إِكْرَامِ جَلَالِ اللَّهِ إِكْرَامُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ؛

احترام مسلمان سالخورده، احترام جلال خداوند است؛

رامی آورد و نتیجه می گیرد که الآن بزرگترین ما حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می باشد، پس تجلیل و تکریم ایشان، تعظیم و تکریم خداوند است. جای جای مکیال از این تنبّهات آکنده است و این نیز از آثار عنایت ویژه حضرت احدیت می باشد.

۱۰. عریضه نویسی

یکی از راه‌های ارتباط با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در عصر غیبت نامه‌نگاری و عریضه‌نویسی به پیشگاه آن حضرت می‌باشد.

ما قبلاً در کتاب «ارمغان صافی» که در شرح حال مرحوم آیة الله حاج ملا جواد صافی گلپایگانی (متوفای ۲۵ رجب ۱۳۷۸ ق.) پدر بزرگوار مرجع عالیقدر حضرت آیة الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدّ ظله العالی می‌باشد، در این رابطه مطالبی تقدیم نموده‌ایم که بخشی از آنرا در اینجا می‌آوریم:

استغاثه به محضر مولا

در زمان ائمه علیهم السلام مرسوم بود شیعیانی که مشکل داشتند به محضر امام زمان خود «عریضه» می‌نوشتند و حاجت خود را با حجت خدا در میان می‌نهادند و از حجت زمان خود می‌خواستند که در حق آنها دعا کنند. در زمان غیبت صغری نیز شیعیان عریضه‌های خود را توسط نواب اربعه به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ارسال می‌کردند و پاسخ دریافت می‌کردند که شماری از توقیعات حضرت در پاسخ به همین عریضه‌ها می‌باشد.

برای دوران غیبت کبری نیز متون عریضه‌ای رسیده که آنها را بنویسند خطاب به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، سپس آن را به داخل ضریح یکی از معصومین و یا در آب جاری و یا چاه بیندازند،

چهار نمونه از این متون عریضه به حضرت صاحب الزمان را علامه‌ی مجلسی نقل فرموده است. (۱)

از این رهگذر در طول قرون و اعصار مرسوم بود که در کنار مساجد مهم شهر چاه عریضه‌ای باشد و شیعیان عریضه‌های خود را در آن بیندازند. نگارنده یک سال پیش از زلزله‌ی بم شب نیمه‌ی شعبانی در بم برنامه داشتیم، صبح نیمه به دیدن «ارگ قدیم» رفتیم، اولین غرفه‌ای که در کنار در ورودی بود غرفه‌ی چاه عریضه بود.

روی این بیان چاه عریضه‌ای که در کنار مسجد مقدس جمکران وجود دارد، یکی از همین چاه‌ها می‌باشد که از گذشته‌ی دور در کنار مساجد وجود داشت.

و اینک متن عریضه‌ای را که مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام به: «ابوالعباس بن کשמرد» در عالم رؤیا تعلیم فرموده و او به برکت این عریضه از قتل نجات یافته، تبرکاً در اینجا می‌آوریم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من العبد الذلیل - فلان بن فلان - الی المولی الجلیل،
الذی لا اله الا هو الحیّ القیوم، وسلام علی آل یس،
ومحمّد وعلیّ وفاطمة والحسن والحسین وعلیّ ومحمّد
وجعفر وموسی وعلیّ ومحمّد وعلیّ والحسن وحجّتک
یاربّ علیّ خلقک.

اللّهم انّی لمسلم، وانّی أشهد أنّک الله الہی والہ الأولین

والآخرین، لا إله غيرك، أتوجه اليك بحق هذه الأسماء
التي اذا دعيت بها أجبت، وإذا سئلت بها أعطيت، لَمَّا
صَلَّيت عليهم وهَوَّنت عليّ خروجي، وكنت لي قبل ذلك
عياذاً ومجيراً مَمَّن أراد أن يفرط عليّ أو يطفئ.

آنگاه فرمود: سوره‌ی یس را بخوان و آنچه می‌خواهی از خدا بخواه
که خدا اجابت می‌فرماید و غم و اندوهت را برطرف می‌کند.
سپس دستور داد که این عریضه را در داخل گِل قرار بده و آن را به
دریا بینداز.

ابن کשמرد عرضه داشت، من اینجا زندانی هستم و به دریا راه
ندارم، فرمود: در چاه و یا چشمه‌ی آب بینداز.
همان روز به اعجاز مولای متقیان و به برکت این عریضه از زندان و
اعدام نجات یافت.

نگارنده گوید: داستان ابن کשמرد بسیار جالب و خواندنی است.^(۱)

آماری شگفت

یکی از مشاهد مشرفه‌ای که زائران بسیاری را به سوی خود جذب کرده؛
«مشهد رأس الحسين» علیه السلام در قاهره است، که بر اساس نقلی سر مقدس
امام حسین علیه السلام در عهد خلفای فاطمی به آنجا انتقال یافته است.

۱. سید ابن طاوس، مصباح الزائر، ص ۵۳۶ - ۵۳۹، مؤسسه‌ی آل‌البیت، قم، ۱۴۱۷ق؛ و
علامه‌ی مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۳۱ - ۲۳۴ به نقل از مصباح الزائر؛ و ج ۹۴،
ص ۲۳ - ۲۶، به نقل از قبس المصباح شیخ طوسی.

روزهای سه‌شنبه روز زیارتی آنجاست و غالب عروسی‌ها در قاهره روزهای سه‌شنبه انجام می‌گیرد و حتماً عروس و داماد در شب عروسی یا روز عروسی به این حرم مطهر مشرف می‌شوند و می‌گویند که روز سه‌شنبه روز عروسی امام حسین علیه السلام بوده است.

شیخ ابوالفضل خلوتی دچار بیماری شدیدی می‌شود که پزشکان اظهار عجز می‌کنند، او همه روزه به زیارت مشهد رأس الحسین می‌رود، جز اینکه روزهای سه‌شنبه را به جهت ازدحام فوق‌العاده نمی‌رود.

شب‌ی در عالم رؤیا به خدمت امام حسین علیه السلام می‌رسد و توسط آن حضرت شفا پیدا می‌کند، جز اینکه حضرت می‌فرماید:

چرا زیارت مرا در روزهای سه‌شنبه قطع کردی؟ مگر نمی‌دانی که روز سه‌شنبه روز عروسی من است؟^(۱)

مرجع والامقام حضرت آیه‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی فرمودند: در مصر عریضه‌نویسی بسیار رایج است، ساکنان قاهره شخصاً به مشهد رأس الحسین علیه السلام مشرف شده، عریضه را در ضریح می‌اندازند، ساکنان دیگر بلاد عریضه‌های خود را توسط پست ارسال می‌کنند، بسیار جالب توجه، بلکه موجب شگفت است که در یکی از سالها اداره‌ی پست مصر اعلام کرد که در یک سال تعداد عریضه‌هایی که توسط پست به حرم حسینی ارسال شده به یک میلیون رسیده است.

۱. شبراوی، الاتحاف بحب الأشراف، ص ۸۶، منشورات رضی، قم، ۱۳۶۲ ش.

مرحوم آیه‌الله صافی شدیداً به عریضه‌نویسی معتقد بود و به هنگام مشکلات به پیشگاه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه عریضه می‌نوشت.

یکبار آیه‌الله صافی به سر درد عجیبی مبتلا می‌شوند که پزشکان گلپایگان کاری از پیش نمی‌برند، به اقوامشان در تهران می‌نویسند، آنها به اطبای تهران مراجعه می‌کنند و احوال ایشان را بازگو می‌کنند و نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود.

یک روز این سر درد به قدری شدت پیدا می‌کند که ایشان را به کلی از پا می‌اندازد.

همسر مکرّمه‌شان که اهل دعا و توسّل بود به ایشان پیشنهاد می‌کند که عریضه‌ای به محضر مولا و صاحب ما بنویسد. ایشان می‌فرماید: کسی به نیابت از من این کار را انجام بدهد، ایشان اصرار می‌کند که باید خودتان بنویسید.

آیه‌الله صافی با آن حال کسالت عریضه‌ای می‌نویسد. دقیقاً مقابل منزلشان مسجدی بوده که در کنار آن چاه عریضه بوده است، دستور می‌دهد که آن را در چاه بیندازند. باز همسرشان اصرار می‌کند که باید به دست خودتان این کار انجام شود.

ایشان باز حمت و مشقت فراوان حرکت می‌کند و به دست خود عریضه را در چاه مجاور مسجد می‌اندازد، به خانه برمی‌گردد، هنوز به حیاط خانه و یا اطاق استراحت خود نرسیده بود که درد آرام می‌شود و به کلی رفع می‌شود و هرگز تا پایان عمر مبارکشان دچار سر درد نمی‌شوند.^(۱)

۱. از افادات آیه‌الله صافی، همان.

راه میان بُر

مرحوم صاحب مکیال راه‌های زیادی به سوی محبوب داشتند، که عریضه‌نویسی را راه ساده و میان بُر یافته بودند، هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، عریضه‌ای به محضر مولا می‌نوشتند، آن را گِل می‌گرفتند، به آن چشمه‌ای که در پای قلعه است، خودشان می‌رفتند و به دست خود در آب می‌انداختند.

صاحب مکیال در کتاب «وظیفه الانام» یکی از متن‌های طولانی عریضه را آورده و در مورد کیفیت ایصال آن نوشته است:

این عریضه را بنویسد و مهر کند و در میان گِل پاکی بگذارد و در نهر یا چشمه یا چاهی بیندازد و در وقت انداختن به یکی از چهار نفر سُفرا که در زمان غیبت صغری نایب حضرت صاحب الأمر علیه السلام بودند، متوسل شود و نام او را بگوید و این دعا را بخواند.

مثلاً بگوید:

یا سیدی! یا ابا القاسم! یا حسین بن روح! سلام
علیک، أشهدُ أن وفاتک فی سبیل الله وانک حی عند الله
مرزوق، وقد خاطبتک فی حیاتک الّتی لک عند الله عزّ
وجلّ، وهذه رقعتی وحاجتی إلى مولانا علیه السلام فسلمها إليه،
فأنت الثّقةُ الأمينُ. (۱)

و در کتاب شریف مکیال می نویسند:

بدان که استغاثه به حضرت و عرض حاجت به محضر آن حضرت،
زبان خاص، کیفیت خاص و زمان خاص نمی خواهد، بلکه مهم
اصلاح درون، توجه کامل، توبه از گناه، یقین ثابت و عقیده
استوار می باشد.

لکن در مورد استغاثه و عرض حاجت، آداب خاص و عریضه های
مخصوصی رسیده که عمل به آنها شایسته است، تا علاوه بر شرایط یاد
شده آنها نیز منظور شود، تا در تقریب به آن حضرت و جلب عنایت آن
حضرت مؤثرتر باشد. (۱)

صاحب مکیال مطالبی را به خاتمه مکیال حواله داده که می خواست
در خاتمه کتاب آنها را بیاورد، از جمله:

راه های استغاثه به آن حضرت، آنچه در بین بزرگان،
علماء و اخیار مرسوم است، به ضمیمه آنچه خودم آن را
انجام داده ام.

از این جمله معلوم می شود که ایشان راه خاصی داشتند و آن به
دست کسی نیفتاده و دسترسی به آن نیست.

ولی متأسفانه شهادت ایشان موجب شد که کتاب مکیال بدون
خاتمه بماند. (۲)

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲. از افادات حاج آقا محمد فقیه در مصاحبه با میرسراجی.

در آستانه شهادت

آیه‌الله سید محمدتقی فقیه احمدآبادی در ماه جمادی الثانیه ۱۳۴۸ ق. عازم عتبات شد، در آن زمان ابواب هشتگانه مکیال به پایان رسیده بود، فقط تصمیم داشت خاتمه‌ای بر آن بیفزاید که سفر عتبات پیش آمد. ایشان در آخرین فراز از کتاب مکیال می‌نویسد:

در این ایام که ماه جمادی الثانیه سال ۱۳۴۸ هجرت نبوی می‌باشد، عازم سفر به عراق برای زیارت مشاهد ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشم.

از خدای متعال مسألت دارم که به من توفیق زیارت عتبات را در حد کمال عنایت کند و پس از مراجعت به اتمام این کتاب موفق بدارد، از لطف و کرمش، که او عزیز و وهاب است. (۱)

آنگاه فرزند بزرگوارشان حاج آقا محمد فقیه می‌نویسد:

پدرم - مؤلف - رحمته‌الله، در اواخر ماه شعبان همان سال از این سفر بازگشت و در شب ۲۵ رمضان با سمّ جفا به شهادت رسید. (۲)

در بستر شهادت

داستان شهادت صاحب مکیال را فرزند برومندشان در ضمن مصاحبه‌ای تشریح کرده‌اند، این مصاحبه از نوار پیاده شده، با متن

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. همان، ص ۴۸۵.

مصاحبه ایشان مطابقت نموده، عیناً درج می‌کنیم:

در سال ۱۳۴۸ ق. پدرم فتق داشت، در آن ایام بیمارستان انگلیسی‌ها تازه باز شده بود، که الآن آن را بیمارستان «عیسی بن مریم» نام نهاده‌اند.

دوستان و ارادتمندان پدرم، ایشان را به اجبار بردند.

ایشان استخاره کرد، استخاره خوب نیامد.

هر چه پدر گفت: استخاره مساعد نیست، آنها گفتند: شما به درمان

نیاز دارید، دیگر جای استخاره نیست.

تأسیس این بیمارستان برای دلسوزی به ایرانیان نبود، بلکه برای

تبشیر و تبلیغ مسیحیت بود.

روزهای یکشنبه مراسم و آیین داشتند، کلیسایی تأسیس کردند به

نام «لوقا» روزهای یکشنبه پرسنل بیمارستان را به کلیسا می‌بردند،

ناقوس می‌زدند و روی بیمارستان با خط زیبایی نوشته بودند:

«بیمارستان انگلیس».

دکتری بود به نام: «دکتر شافتر» اهل انگلستان بود.

در آن زمان در ایران زن بی‌حجاب نبود، اولین بار من «آلا گارسون»

را دیدم که حجاب نداشت.

سالی که رضاخان حجاب را از سر زنان کشید، از خراسان شروع

کرد، برای زنان ایرانی چادر از جانشان عزیزتر بود.

موقع مغرب در مسجد گوهرشاد غلغله می‌شد، چندین نماز

جماعت برگزار می‌شد، از جمله به امامت: (۱) آیه‌الله نهاوندی؛

(۲) مرحوم قوچانی.

شبی که پهلوی دستور کشف حجاب داده بود، درهای مسجد را بسته، از بالا و پایین مردم را با مسلسل به گلوله بستند. در قم نیز رضاخان در جوار حضرت معصومه علیها السلام زنان مکشفه آورده بود که مرحوم بافقی سر و صدا راه انداخت.

روی تخت بیمارستان

آن سال در اصفهان برف سنگینی آمده بود، در حدود ۴۰ شبانه روز برف آمد، آقا را به بیمارستان بردند و بستری کردند.

کارگردان بیمارستان انگلیسی‌ها شخص خبیثی بود به نام: «سرالله خان همت» که مبلغ فرقه ضالّه بهائیت بود.

ما بچه بودیم در منزل ماندیم، مادرم با دو دامادشان مرحوم سید علی طالقانی و مرحوم سید مرتضی موحد ابطحی بالای سر پدر بودند.

سرالله خان در شب ۲۳ رمضان چیزی شبیه آب در گلوی پدرم ریخته بود، مادرم خیال کرده بود که دارو است، ولی سم بوده است.

آن شب آقا التهاب پیدا کرده بود و حال آقا بد شده بود، این التهاب در اثر آن سم بود و گرنه فتق از این آثار ندارد.

چون آن سم کارگر نشده بود، شب ۲۵ رمضان سرالله خان آمده، آقایان را از اطاق بیرون کرده بود و مادرم را به اطاق پستی هدایت کرده، یک ته استکان آب زرد به حلق آقا ریخته بود و مادر از آن اطاق پستی دیده بود.

پدرم با خوردن آن همانجا جان به جان آفرین تسلیم کرده بود و در

آخرین لحظه گفته بود:

حبیبی یا حسین!
حبیبی یا حسین!
چه آب خوشگوار!

سرّ الله خان گفته بود:

اگر می دانستی چه چیزی به خورد تو دادم، با همین حال بلند
می شدی و درخت های مریضخانه را در بدن من خرد می کردی.

مادرم این جملات را شنیده بود، ولی آن سم به قدری سریع التّأثیر
بود که فرصت عکس العمل نمانده بود.^(۱)

شربت شهادت

یکی از تأثیرات آنی سَمّ تشنگی فوق العاده است و لذا به مجرد
اینکه سَمّ از گلوی ایشان پایین می رود، تشنگی عجیبی بر ایشان
عارض می شود، و لذا به یاد عطش امام حسین علیه السلام افتاده با نغمه دلربای:
« حبیبی یا حسین » جان به جان آفرین تسلیم می کند.

بی تردید سَمّ تلخ است، ولی ایشان احساس می کند که به آرزوی
خود رسیده، سعادت شهادت در راه خدا را پیدا کرده، و لذا آن سَمّ جفا
را با همه تلخی اش شیرین و گوارا یافته، واژه: « چه آب خوشگوار »
بر لب جاری می کند.

۱. از مصاحبه حاج آقا محمد فقیه با آقای میرسراجی.

و این نشانه مردان خداست که چون مرگش رسد خندان بمیرد.

عاش سعیداً و مات شهیداً.

از تبار شهیدان

صاحب مکیال اولین شهید راه نیست، پیش از ایشان هزاران تن از عالمان فرهیخته و شخصیت‌های برجسته، در طول غیبت کبری در سیاه چالها در زیر شکنجه جان سپرده، یا به جوخه اعدام رفته، یا با دسیسه‌های شیاطین ترور شده‌اند.

علامه امینی تعداد ۱۳۰ تن از فقها، خطبا، شعرا و علمایی که در طول غیبت کبری به شهادت رسیده‌اند را در کتاب ارزشمند: «شهداء الفضیله» معرفی نموده است.

سر سلسله علمای شهید در طول قرون و اعصار:

(۱) شهید اول: شمس الدین محمد مکی (۷۳۴-۷۸۶ ق.)

(۲) شهید ثانی: زین الدین بن علی (۹۱۱-۹۶۶ ق.)

(۳) شهید ثالث: محمد تقی برغانی (۱۱۸۴-۱۲۶۴ ق.)

و در ادامه قاضی نورالله شوشتری، صاحب مکیال و بسیاری از مراجع تقلید چون: آیه‌الله بروجردی، آخوند خراسانی، آیه‌الله خوئی، آیه‌الله غروی، شهید صدر و سایر بزرگانی که خدا نخواست با مرگ طبیعی بمیرند، بلکه خواسته سعادت شهادت نصیبشان گردد و جامع دو فضیلت: (۱) مداد العلماء؛ (۲) دماء الشهداء شوند.

روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

اشعار نغز و پر مغز

صاحب مکیال طبع روان و قریحه سرشاری داشت که از عنفوان جوانی به عربی و فارسی شعر می سرود، دیوان شعر دارد، کتاب «آداب المتعلمین» را به نظم درآورده و در هر مناسبتی چکامه‌ای سروده، در جای جای آثار خود به ودیعت نهاده است.

در اینجا از باب تیمن چند بیت از نمونه اشعارش را می آوریم:

گرم نصیب شود یک نظر به روی حبیب

نثار او بنمایم روان به رگم رقیب

به پای خود، اگرم بوسه‌ای روا دارد

نهم به تارک شاهان، زحشمت و زیب

غم فراق و دل پر ز خون و اشک بصر

مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب

ز دوری رخت ای پادشاه حسن و جمال

رسید جان به لب عاشقان تعال، تعال

به ذکر حسن تو کزو بیان عالم قدس

یسـبـحـون له بـالغـدو و الـاصـال

امام مهدی هادی شهنشہ دو جهان

سمی ختم رسل ماحی رسوم ضلال

از دوری تو خانه خرابم به خدا

رنجور، نحیف و دل کبابم به خدا

لعل لب تو است آب حیوان بینی

من تشنه یک دو قطره آبم به خدا

از طعنه دشمنان دین صد فریاد

وز دیده کتوتہ نظران صد فریاد

بر غیبت دین احمدی صد افسوس

وز غیبت صاحب الزمان صد فریاد

ای وصل تو غایة المراد دل ما

وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما

اندر دل ما لشکر غم منزل کرد

ز آنروز که تو گشتی از منزل ما

سوانح حیات

رخدادهای مهم ایام زندگی کوتاه ولی پر بار صاحب مکیال به ترتیب تسلسل زمانی:

دهه اول:

* تولد صاحب مکیال، در اصفهان، در شب دوشنبه؛ پنجم جمادی الاولی: ۱۳۰۱ ق.

* تولد میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی، نخستین کسی که شرح حال صاحب مکیال را در سه اثر ارزشمند خود نوشت؛ اواخر محرم، یا اوایل صفر: ۱۳۰۸ ق.

* استنساخ نصاب الصبیان و اتمام شرح آن؛ ۱۶ رجب: ۱۳۱۰ ق.

دهه دوم:

* ارتحال میرزای شیرازی، بنیانگذار مکتب سامرا؛ ۲۴ شعبان: ۱۳۱۲ ق.

* اتمام کتاب: ایضاح الشبهات: ۱۳۱۶ ق.

- * اتمام کتاب: تذکرة الطالبین، به نظم: ۱۳۱۷ ق.
- * استنساخ کتاب: توضیح الألغاز فاضل ایجی: ۱۳۱۷ ق.
- * استنساخ کتابی در نحو: ۱۳۱۷ ق.
- * اتمام کتاب: انیس المتفرّدین؛ ۳ جمادی الاولی: ۱۳۱۸ ق.
- * درگذشت استادش: میرزا بدیع درب امامی؛ ۲۱ شعبان: ۱۳۱۸ ق.
- * ارتحال پدرش: سید عبدالرزاق موسوی؛ ۲۸ محرم: ۱۳۱۹ ق.
- * اتمام کتاب: بساتین العلماء؛ صفر: ۱۳۱۹ ق.
- * اتمام کتاب: محاسن الأديب؛ ۴ جمادی الاولی: ۱۳۱۹ ق.
- * استنساخ کتاب: المفصل زمخشری: ۱۳۱۹ ق.

دهه سوم:

- * درگذشت استادش مرحوم سید محمود کلشادی: ۱۳۲۴ ق.
- * درگذشت جدّ مادری اش میرزا حسین نائب الصدر؛ ربیع الآخر:
۱۳۲۶ ق.
- * اتمام کتاب: آداب الجمععات: ۱۳۲۶ ق.
- * درگذشت استادش: جهانگیرخان قشقائی؛ ۱۳ رمضان: ۱۳۲۸ ق.
- * تولد دخترش: سیده منصوره (همسر آیه الله موحد ابطحی): ۱۳۳۰ ق.
- * صدور فرمان مطاع مولا برای تألیف کتاب: مکیال: ۱۳۳۰ ق.
- * سفر حج، شیوع وبا، نذر تألیف کتاب مکیال: ۱۳۳۰ ق.

دهه چهارم:

- * آغاز تألیف کتاب: مکیال المکارم: ۱۳۳۱ ق.

- * اتمام جلد اول کتاب: وظیفه الانام؛ ذیقعدة الحرام: ۱۳۳۱ ق.
- * تقریظ آیه الله دهکردی بر کتاب یاد شده: ۱۳۳۱ ق.
- * تقریظ آیه الله جمال الدین نجفی مسجدشاهی: ۱۳۳۱ ق.
- * اتمام جلد دوم کتاب: وظیفه الانام؛ جمادی الاخری: ۱۳۳۲ ق.
- * اتمام کتاب: کنز الغنائم؛ رجب: ۱۳۳۳ ق.
- * اتمام کتاب: سراج القبور؛ شعبان: ۱۳۳۳ ق.
- * چاپ کتاب: نور الابصار به پیوست دو عنوان بالا؛ رمضان: ۱۳۳۳ ق.
- * دریافت اجازه اجتهاد از آیه الله دهکردی؛ ۱۲ محرم: ۱۳۳۴ ق.
- * تولد فرزندش: حاج آقا محمد فقیه؛ ربیع المولود: ۱۳۳۸ ق.
- * درگذشت استادش: شیخ عبدالکریم گزی؛ ۱۳ ذیحجة الحرام:
۱۳۳۹ ق.

دهه پنجم:

- * درگذشت استادش سید محمدباقر درچه‌ای؛ ۲۸ ربیع الثانی: ۱۳۴۲ ق.
- * درگذشت استادش سید منیر الدین بروجردی اصفهانی: ۱۳۴۲ ق.
- * تولد پسرش: سید عباس فقیه: ۱۳۴۲ ق.
- * عزیمت به سفر عتبات عالیات؛ جمادی الثانیه: ۱۳۴۸ ق.
- * درگذشت استاد و دائی اش: محمدصادق خاتون آبادی: ۱۳۴۸ ق.
- * بازگشت از عتبات؛ شعبان: ۱۳۴۸ ق.
- * بستری شدن در بیمارستان برای عمل فتق؛ رمضان: ۱۳۴۸ ق.
- * ریختن سمّ در گلویش توسط سرّ الله خان همّت (بهایی) شب
۲۳ رمضان: ۱۳۴۸ ق.

- * ریختن سمّ بار دیگر توسط همان شخص، شب ۲۵ رمضان: ۱۳۴۸ ق.
- * شهادت مظلومانه: شب سه‌شنبه ۲۵ رمضان: ۱۳۴۸ ق. (۱)
- * مراسم خاکسپاری در تخت فولاد، در کنار پدر بزرگوارشان؛
۲۵ رمضان: ۱۳۴۸ ق.

منابع و مأخذ شرح حال صاحب مکیال

برای استفاده گسترده‌تر از شرح حال صاحب مکیال به منابع زیر مراجعه شود:

۱. آثار التقوی، علامه روضاتی، در مقدمه مکیال المکارم
۲. آشنای امام زمان، محمدرضا زاده‌هوش، چاپ ستاد برگزاری همایش
۳. آشنایی با زندگی و شخصیت فقیه احمدآبادی، علامه سید

حجت موحد ابطحی

۴. اعلام اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی
۵. الأعلام، خیر الدین زرکلی - ج ۶ -
۶. الأمالی، معلم حبیب آبادی - مخطوط -
۷. تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان جابری انصاری - ج ۳ -
۸. دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی
۹. رجال اصفهان، همو
۱۰. ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، علامه حاج

آقا حجت موحد ابطحی

۱۱. سیری در تخت فولاد، سید مصلح‌الدین مهدوی
۱۲. شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر
۱۳. معجم المؤلفین، عمر رضا کحّاله - ج ۹ -
۱۴. مکارم الآثار، معلّم حبیب‌آبادی - ذیل وقایع ۱۳۰۱ ق -
۱۵. مقدّمه مرحوم عمادزاده، بر کتاب: «وظیفه الأنام»
۱۶. مقدّمه حاج آقا محمد فقیه، بر کتاب: «نور الابصار»
۱۷. من لهذا العالم، آیه‌الله صافی گلپایگانی
۱۸. مصاحبه پژوهشگر جوان آقای میرسراجی با فرزند صاحب مکیال
۱۹. مؤلفین کتب چاپی، خانبابا مشار
۲۰. نقباء البشر، شیخ آغا بزرگ تهرانی

دهه فرخنده مهدویه مبارک باد

یازده سال پیش دهه فرخنده مهدویه به ابتکار مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در اصفهان با تشکیل کلاسهای تخصصی آغاز شد، در این یازده سال در غالب شهرهای میهن اسلامی، این دهه از دهم تا بیستم ماه مبارک شعبان برگزار شده، از مرزهای کشور بیرون رفته، در بسیاری از کشورهای اسلامی، در بلاد عربی، در ممالک غربی، از روسیه تا اقیانوسیه باشکوه و عظمت خاصی برگزار گردیده است.

چند سالی است که در روز پایانی دهه مبارکه، از یکی از پیشتازان عرصه مهدویت و پیش کسوتان خدمتگزار فرهنگ مهدوی تجلیل به عمل آمده است.

در سالهای گذشته از شخصیت‌های برجسته زیر تقدیر و تجلیل شد:

۱. آیه الله حاج میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، متوفای ۱۳۷۰ ق.

۲. آیه الله حاج ملاجواد صافی گلپایگانی، متوفای ۱۳۷۸ ق.

۳. آیه الله سید حسن میرجهانی، متوفای ۱۴۱۳ ق.

۴. آیه الله حاج شیخ حیدر علی محقق، متوفای ۱۴۲۱ ق.

و امسال از افتخار صفحات تاریخ، پیشتاز عرصه مهدویت، پدید آورنده کتاب گرانسنگ «مکیال المکارم» به مناسبت یکصدمین سال آغاز تألیف آن به فرمان مطاع حضرت بقیه الله ارواحنا فداء، در ضمن همایش باشکوهی تجلیل به عمل می آید.

مرجع عالیقدر حضرت آیه الله صافی گلپایگانی بیانیه پرباری به این همایش عنایت فرموده اند و بر آن عنوان زیبای «همایش نیایش و دعا برای تعجیل فرج» اطلاق نموده اند.

معظم له در فرازی از این پیام فرموده اند:

این همایش که برای تشویق همگان به دعا برای آن حضرت و نیایش و التماس و تضرع به درگاه الهی برای تعجیل در امر فرج آن یگانه دوران و صاحب زمان است، همایش عظیم و دارای منزلتی جلیل است و به این مناسبت از یکی از بهترین و جامع ترین کتاب ها، در این موضوع کتاب نفیس و شریف: «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» تألیف: شیعه مخلص و چاکر درگاه حضرت بقیه الله الأعظم ارواح العالمین له الفداء حضرت آیه الله حاج سید محمدتقی اصفهانی اعلی الله مقامه، از کتاب و از مؤلف تجلیل و تقدیر به عمل می آید.

الحق کتاب در نوع خود بی نظیر و نسخه بهترین ارتباط با ناحیه مقدسه و دعا برای آن حضرت است.

سزاوار است همه از آن استفاده نمایند و امام شناسی خود را به وسیله آن تکمیل کنند و با نیایش و دعا برای آن حضرت همواره عهد خود را تجدید و شدت انتظار و اشتیاقشان را به آن ظهور

موفق السّرور و روز موعود و روز نجات و خلاصی بشر آشکار سازند.

«اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

ما نیز با دعا برای تعجیل فرج و تبریک صمیمانه اعیاد شعبانیّه و فرارسیدن دهه مبارکه مهدویّه، به همه شیعیان و شیفتگان و دلباختگان آن حضرت، دامن سخن فراچیده، توفیق و اخلاص و عمل به وظیفه، برای نویسنده، خواننده، دست‌اندرکاران طبع و نشر و ستاد برگزاری همایش از خداوند منان خواهانیم.

غرة شعبان المعظم ۱۴۳۱ ق.

حوزه علمیة قم

علی اکبر مهدی پور

آثار چاپ شده مؤلف

- ۱- ابوریحان بیرونی / چاپ دوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲- اجساد جاویدان / چاپ سوم / نشر حاذق / قم.
- ۳- ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴- ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵- ارمغان مجلسی / چاپ شانزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۶- از تبار محدثان / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۷- ازدواج امّ کلثوم افسانه یا حقیقت؟ / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۸- از شب عاشور، تا آدینه ظهور / انتشارات عطر عترت / قم.
- ۹- اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۰- اعتقادات علامه‌ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۱- اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.
- ۱۲- او خواهد آمد / چاپ سیزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۳- بادعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ سوم / نشر موعود / تهران.
- ۱۴- بانوی اسلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۱۵- پرتوی از دهه مهدویه / انتشارات بهار قلوب / اصفهان.

- ۱۶ - پژوهش مهدوی / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۷ - پیامبر پایه گذار تشیع / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۱۸ - تاریخ شیعه‌ی زیدیه / چاپ اول / دانشگاه شیراز.
- ۱۹ - تاریخ وهابیان / چاپ دوم / نشر طوفان / تهران.
- ۲۰ - تاریخچه‌ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۲۱ - ترجمه‌ی مصور سوره‌ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر / تهران.
- ۲۲ - ترجمه‌ی مصور سوره‌ی الرَّحْمَن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.
- ۲۳ - تشریح در سرداب مقدس / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۴ - تشریفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.
- ۲۵ - تشیع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.
- ۲۶ - جزیره‌ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۷ - جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۲۸ - چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۹ - چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۳۰ - چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۳۱ - چهل حدیث در مناقب اولین پیشوا / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۲ - چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۳ - حدیث کساء کلید حل مشکلات / چاپ اول / تهران.
- ۳۴ - حیات برزخی / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۵ - حضرت مهدی و رابطه‌ی العالم الاسلامی / ترکی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۶ - دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۳۷ - در آستانه‌ی ظهور / انتشارات نور الکتاب / مشهد.

- ۳۸- دراسة عن حياة فاطمة عليها السلام / عربي / چاپ اول / بحرین .
- ۳۹- در حریم حضرت معصومه عليها السلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم .
- ۴۰- در سایه سار خطبه حضرت زهرا / انتشارات حسینیه عمادزاده / اصفهان .
- ۴۱- دومین اختر در آسمان کوثر / شهرداری تهران .
- ۴۲- راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .
- ۴۳- روزگار رهائی / چاپ سوم / نشر آفاق / تهران .
- ۴۴- روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .
- ۴۵- رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .
- ۴۶- زندگانی کریمه‌ی اهل بیت / نشر حاذق / قم .
- ۴۷- زمینه‌سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران .
- ۴۸- زیارت عاشورا و آثار معجز آسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم .
- ۴۹- زیارتنامه‌ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم .
- ۵۰- سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه و داد / کرج .
- ۵۱- سند حدیث کساء / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم .
- ۵۲- سیری در ترجمه‌های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم .
- ۵۳- سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران .
- ۵۴- شهید ثالث / انتشارات رسالت / قم .
- ۵۵- طول عمر امام زمان عليه السلام / چاپ سوم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم .
- ۵۶- عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول .
- ۵۷- علامه‌ی اقبال در مدینه / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم .
- ۵۸- علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران .
- ۵۹- علی و فلسفه‌ی الهی / چاپ اول / بنیاد علامه‌ی طباطبائی / قم .

- ۶۰- قرآن معجزه‌ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۶۱- قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.
- ۶۲- کتابنامه‌ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۶۳- کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.
- ۶۴- کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.
- ۶۵- کریمه‌ی اهل بیت / چاپ اول / انتشارات حاذق / قم.
- ۶۶- گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۶۷- لزوم تفکیک علایم حتمی از غیر حتمی / دبیرخانه اجلاس دو سالانه / قم.
- ۶۸- معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۶۹- معیارهای اخلاقی در فقه امام صادق علیه السلام / انتشارات تولی / قم.
- ۷۰- میثم تمّار / چاپ اول / انتشارات توحید / تهران.
- ۷۱- میلاد نور / چاپ اول / مسجد صدریّه / تهران.
- ۷۲- نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۷۳- نبراس الفائزین بزیارة امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم.
- ۷۴- نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۷۵- نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.